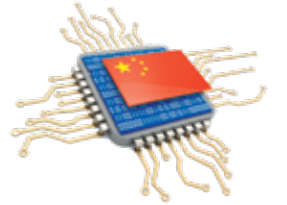


چهار اصل پیشرفت ازدهای زرد!

- ۱ استقلال ملی
- ۲ توسعه روستایی
- ۳ توسعه بومی
- ۴ همزیستی بین‌المللی



صبح صادق

دهه فجر انقلاب اسلامی مبارک باد



هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۸۷ | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۹ | ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ | اول فوریه ۲۰۲۱ | ۱۶ صفحه

۶ بازار
مصطفی خوش چشم تحلیلگر مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با صبح صادق
بایدن تحریم‌های اثرگذار را لغو نمی‌کند

۲ نگاه
اکبر معصومی
حقه بازی هسته‌ای غرب!

۲ نگاه
سرلشکر سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ما با مردم قوی هستیم

۲ سرمقاله
راه نورانی انقلاب اسلامی

در جمع تعدادی از مسئولان نمایندگی ولی فقیه در سپاه مطرح شد

۱۵ پاسدار
رهبری عامل عظمت و اقتدار ملت ایران

۱۰-۱۱ راه‌نورانی
ویژه چهل و دومین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران

- ◆ خط تطهیر طاغوت! ◆ قدرت اول منطقه
- ◆ انقلاب بدون خشونت ◆ استقبال یک ملت



نسخه صوتی صبح صادق
بشنوید Beshnavidd.ir

سر مقاله

راه نورانی انقلاب اسلامی



دکتر پیدالده جوانی
مدیر مسئول

انقلاب اسلامی که معجزه قرن است، اکنون ۴۲ ساله شده است. امتیاز انقلاب اسلامی نسبت به دیگر انقلاب‌های تاریخ بشر، همانند انقلاب‌های فرانسه، آمریکا و روسیه آن است که با وجود همه توطئه‌ها، فتنه‌ها و فشارهای حداکثری دشمنانش از شرق و غرب عالم گرفته تا عوامل داخلی آنها، یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و همچنان با سرزندگی و حالی نوشونده، با حفظ تمامی شعارهایش و بدون توقف در حال پیشرفت و فتح قله‌های آزمانی یکی پس از دیگری است. ملت قهرمان ایران و تمامی آزادی‌خواهان جهان، این انقلاب را بهایی بخش، عزت‌بخش و سعادت‌بخش راه، مدیون حضرت امام خمینی (ره) و قیام الهی آن عزیز سفر کرده هستند. این ساله رسول‌الله (ص)، خمینی روح خدا بود که این راه نورانی را در پیش روی ملت ایران و تمامی مسلمانان و مستضعفان جهان گشود و پس از یک دهه حکمرانی الهی پر خیر و برکت، پرچم حرکت در این مسیر نورانی را به دست خلف صالحش سپرد. سخن گفتن از انقلاب و دستاوردهایش از طریق مقایسه ایران بعد از انقلاب با ایران قبل از انقلاب، همانند توصیف نور و بیان مزیت‌های آن از طریق مقایسه با تاریکی و سیاهی است؛ وصف ملت ایران در کلان خودش به منزله یک جامعه سیاسی برخوردار از حاکمیت سیاسی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی از حیث جهت حرکت همان است که خداوند می‌فرماید: «اللہ ولی الذین آمنوا یخرجهن من الظلمات الی النور والذین کفروا اولی‌اؤمهم الظلمة یخرجهن من النور الی ظلمات...».

آری، انقلاب اسلامی یک مسیر نورانی را در پیش روی ملت ایران نهاد تا به قله‌های نورانی سعادت، حیات طیبه و تمدن نوین اسلامی برسد. تمام شیاطین ۴۲ سال است که تلاش می‌کنند ملت ایران را از حرکت در این مسیر نورانی منصرف کنند. این شیاطین اکنون با تمرکز راهبردی بر جنگ شناختی، با انکار و نادیده گرفتن افتخارات و دستاوردهای بزرگ از یک طرف، و با بزرگنمایی مشکلات و دروغ‌پردازی از طرف دیگر، در صدد القای بی‌فایده بودن و خسارت‌بار بودن انقلاب برای ایران و مردم هستند! اگر بخواهیم ارزش انقلاب اسلامی و عظمت آن را درک کنیم، یک لحظه نبودش را با استمرار رژیم منحوس پهلوی تصور کنیم. به راستی اگر انقلاب نبود، اکنون رفتار ده‌ها و چه بسا صدها هزار مستشار آمریکایی بر خورداری از حق کاپیتولاسیون یا مردان و زنان ایران چگونه بود؟ اگر انقلاب نشده بود، اکنون صاحب اصلی نفت و ذخایر و منابع ایرانیان چه کسی بود؟ اگر انقلاب نشده بود، صهیونیست‌ها الان در ایران چه می‌کردند؟ اگر انقلاب نشده بود، جایگاه ایران از نظر علمی در جهان چگونه بود؟ و اگر انقلاب نشده بود... در پایان فقط به یک نکته باید بسنده کرد و آن اینکه، هرچا مشکلی وجود دارد، دلیلش انقلابی عمل نکردن است. انقلاب و انقلابی اصیل و واقعی (نه فرصت‌طلب و نفوذی)، به مردم و کشور خیانت نمی‌کند، بر مردم منت نمی‌گذارد. انقلابی به همان اندازه که استکبارستیز است، فسادستیز هم هست. انقلابی خادم مردم و پرتلاش برای پیشرفت کشور و تأمین رفاه، امنیت و آسایش توأم با عزت برای ملت است. آری، چنین انقلابی به جز یک راه نورانی، چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

سردار سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه در آستانه دهه مبارکه فجر در جمع تعدادی از مسئولان نمایندگی ولی فقیه در سپاه فلسفه پدیدآیی انقلاب و وضعیت امروز انقلاب اسلامی را در عرصه جهانی تبیین کرد.

♦ موقعیت بسیار قوی و مرتفع

در ایام فجر انقلاب، در چهل و دومین سال حیات یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های عالم هستی هستیم. امروز در موقعیت بسیار قوی و مرتفع؛ هم نسبت به سال‌های قبل و هم نسبت به دشمن از هر زمان دیگری قرار گرفتیم و این دقیقاً نشان‌دهنده نزول نصرت‌های الهی است. وقتی اسلام در ۴۲ سال پیش خورشید پر فروغ خود را از پشت ابرهای جاهلیت با هنرنمایی پیامبرگونه امام راحل عظیم‌الشان خارج کرد و خورشید اسلام از افق ایران طلوع و سیاره زمین را روشن کرد، از آن زمان تا به امروز همه شیاطین عالم برای خاموش کردن نور انقلاب متحد شدند و به‌صحنه آمدند. شاید بیان این عبارات گفتن بدیهیات است، ولی بدیهیات به همان اندازه که واضح هستند گاهی بیشتر مهم هستند و این سفارش خدا به حضرت موسی (ع) که مردم را به ایام‌الله متذکر شوید، نشان‌دهنده این مهم است. چون در این تذکر آیات الهی است، ما مجبوریم این تاریخ نزول نصرت‌ها را مرور کنیم. این حقانیت انقلاب مدام باید در صحنه فکر، اندیشه و باور مردم ما تجدید حیات کند.

♦ استخراج آیات الهی

ما به صرف اینکه توصیفی از واقعه‌های بزرگ ارائه دهیم، ذکر تاریخ نمی‌کنیم؛ ما می‌خواهیم آیات الهی را از درون این توصیفات استخراج کنیم تا با آن به سمت آینده حرکت کنیم. بعد از ۱۴۰۰ سال کار بزرگ امام (ره) تشکیل حاکمیت برای اسلام بود. اسلام حکومت تشکیل داد و قدرت، قابلیت و ظرفیت پیاده‌سازی و اجرا پیدا کرد. اسلام به‌عنوان منشور سعادت‌بخش جامعه بشری به عرصه تقابل و رقابت با سایر نظام‌ها و مکاتب سیاسی عالم آمد تا اثبات شود که دین در عالم و در نزد خدا جز اسلام نیست و «یعلوا ولا یعلی علیه» اثبات شد. این شاهکار جاودانه و ابدی امام بود؛ دقیقاً همه آنچه در بعثت اتفاق افتاده بود؛ اینجا هم تکرار شد، مانند آن زمان که ندای اسلام منتشر شد و همه مشرکان و کافران در مکه آرایش گرفتند، تا از ظهور اسلام در همان نقطه تشکیل جلوگیری کنند و نور خدا را آن زمان خاموش کنند. «وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِی الْأَرْضِ» خداوند اسلام را روی زمین بر کفار و مشرکان غلبه داد و به سرعت امپراتوری‌های بزرگ کم فروغ شدند و اسلام اقطار سیاره زمین را درنوردید. این بار هم همین اتفاق افتاد؛ منتها در مقیاس توازن قدرت‌های امروزی! امام، اسلام را بر امپراتوری‌هایی مانند آمریکا و شوروی غلبه داد و به سرعت و خیره‌کننده در مقابل

سردار سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه

ما با مردم قوی هستیم

آرایش به‌هم پیوسته جنگی آنها ایستاد و گفت: «ما تا آخر ایستاده‌ایم.» این شعار، به حقیقتی در میدان تبدیل شد؛ این هنر ولی فقیه است. نظام ولایی یعنی ولایت وقتی حاکمیت می‌گستراند، دقیقاً منطق اسلام را بر کفر سیطره می‌بخشد. در این امر ما بارها «از نیل عبور کرده‌ایم».

♦ شیطان بزرگ کوچک شده است!

اتفاقات بزرگی که در کشور ما در این ۴۲ سال صورت گرفته است، همانند عبور چندین باره ما از نیل است. مشکلات و مخاطرات پیش‌رو و دشمن پشت سر، جدی و سخت و مصمم با تمام قدرت بی‌ظنری که در تاریخ امپراتوری‌های بشری، روی زمین هرگز نبوده است؛ یعنی به امروز آمریکا نگاه نکنیم که کوچک و افسرده شده و کم تأثیر است و نقش جهانی خود را از دست داده و از مدل، ریخت و قیافه یک قدرت افتاده و ناتوان کم توان است، به ظاهر هنوز صاحب قدرت است، اما حکمت و اراده‌ای برای عمل وجود ندارد. هزینه نظامی آمریکا هنوز هم به اندازه هزینه نظامی تمام دنیا است؛ یعنی پنجاه درصد هزینه‌های نظامی دنیا متعلق به آمریکاست؛ اما آمریکاراهبران کوچک و ضعیف، که او را به اندازه خود کوچک کرده‌اند و همچنین نبود حکمت، به زمین زده است، این نه سخن من، بلکه اعتراف خود آمریکایی‌هاست.

♦ مقاومت پیوسته است و انقطاع ندارد

اما این سوسی صحنه را ببینید چگونه ما از این سختی‌ها و فرازهای خطرناک، که در همه آن لحظه‌ها طراحی و اراده دشمن بر اسقاط و فروپاشی و براندازی بوده است، عبور کرده‌ایم؛ یعنی هر روز ما با دشمن درگیر بودیم. بعضی از روزها شاخص هستند و به دلیل اوج داشتن آنها در حفظ این انقلاب شاخص ترند، اما خصلت ایام الهی همه روزها به قوت خود باقی است و ما هر روز به دنبال حفظ این امانت بزرگ الهی هستیم. یعنی نه اینکه در مقطعی این انقلاب حفظ شده و بعد دشمن آرام گرفته و ما در مسیری هموار حرکت کرده‌ایم و تهدید خاموش شده! نه این‌گونه نبوده، همیشه شعله‌های خطرناک

آتششان تهدید فوران کرده است و دشمن همانند آتش‌فشان، آتش ریخته است و هر روز این انقلاب حفظ شده است. این مقاومت پیوسته است؛ انقطاع ندارد، چون عمل دشمن و تمرکز او بر قلب انقلاب ما همیشه بوده است.

♦ برای دشمن شکست‌ها تکرار شده است

در این مدت نمی‌توان زمانی را یافت که جمهوری اسلامی ایران، قلب کره زمین در جغرافیای جهان و دو سال گذشته نباشد. نقش جغرافیای سیاسی انقلاب اسلامی نقش قلب در همه تحولات ۴۲ سال گذشته بوده است و هنر امام و پس از امام که پیچیدگی‌ها هم متنوع‌تر، سخت‌تر، همه‌جانبه‌تر، نزدیک‌تر و خطرناک‌تر شده است، این بوده است که توانستند تمرکز دشمن را بر این سرزمین متلاشی کنند که این کار مشکلی است. حذف تمرکز دشمن از قلب انقلاب و وسعت دادن به جبین انقلاب و گسترش پیشانی جبهه خیلی عظمت دارد. برای دشمن شکست‌ها تکرار شده است؛ از همه زوایا آمده‌اند و تمام راه‌ها را تجربه کرده‌اند؛ از همه مسیرها برای تسلیم انقلاب وارد شده‌اند؛ اقتصاد، فرهنگ، امور اجتماعی، اطلاعاتی، رسانه‌ای، نظامی و سیاسی. هرچه ما به زمان حال نزدیک شده‌ایم، این ته‌اجمات همراه و هم‌زمان باهم شده‌اند و ما درست امروز در نقطه‌ای قرار گرفته‌ایم که همه ته‌اجمات دشمن هم‌زمان علیه انقلاب ما وجود دارد و در عین حال ما هم در همه جبهه‌ها در حال نبردیم؛ اما در یک قضایات دقیق، تا این لحظه دشمن در همه این جهات نبرد شکست خورده است و اینها واقعیت است.

♦ همه چیز ناشی از هنر رهبری است

اینکه دشمن نتوانسته است و ما آسیب‌ناپذیر مانده‌ایم، اعجاز است. معجزه‌ای به نام نصرت، اعجازی به نام حکمت، این حاکمیت اراده الهی است و این از تئوری و نورانیت از شاهکار ولایت ناشی می‌شود و لا غیر. همه چیز سبقه ولی به خود می‌گیرد. هر کشور و ملتی به اندازه روح، تدبیر و

حکمت رهبرش کوچک یا بزرگ می‌شود، استنا هم ندارد، این قاعده است؛ چون رهبر تکثیر می‌شود، شخصیت، منطق و روح می‌سازد، قدرت تولید می‌کند و او می‌تواند قلت مستضعفان را بعد از ۴۲ سال به یک قدرت معتبر به رسمیت شناخته شده و دارای خط اثر جهانی تبدیل کند. اینکه ما در این ۴۲ سال آسیب ندیدیم، ناشی از هنر رهبری است و اینکه دشمن آسیب دیده، هنر رهبری است، اینکه او با همه جنگیده است هنر رهبری است، اینکه اجازه نداده است کسی با او بجنگد هنر رهبری است، این عبارات ادبیات نیست، حقیقت است. همه خلع سلاح شده‌اند. سال‌های سال این را دیده‌ایم و من در دو سال گذشته بیشتر به این حقیقت رسیده‌ام که او چگونه ابتکار می‌کند و شجاعت تصمیم دارد و تصمیمات محکم به دو مفهوم آراسته به حکمت و مصمم و مؤمنانه می‌گیرد که تردید هم به آن راه ندارد، ما بارها تا لبه‌های جنگ پیش می‌رفتیم، ولی حکمت او اجازه این را نمی‌داد که دشمن رهیافتی برای جنگ داشته باشد. دشمن کتک می‌خورد، نمی‌توانست پاسخ دهد، راه‌ها برایش بسته می‌شد. در این زمینه مصادیق قابل بیان نیست، ولی مفاهیم قابل بیان است.

دشمن فرسوده شد، قدرت آمریکا را نمی‌شد یک روزه شکست داد، این قدرت باید در زمان فرسوده می‌شد. فرسایش و تحلیل تدریجی قدرت دشمن در زمان ابتکارات و از اختصاصات تدبیر و حکمت رهبری معظم انقلاب اسلامی است، چه در حیات و زعامت امام راحل و چه در دوران پر برکت رهبری عزیز و عظیم‌الشان انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی).

اما در خصوص سپاه، همانطور که رهبر معظم انقلاب چند سال پیش آن را مصادق «اسس علی التقوی» دانستند، است. سپاه یک سازمان معنوی است. تقاض و برتری سپاه نسبت به همه ارتش‌های جهان همین تقوی و معنویت است. روش سپاه نه آنکه تقوی است؛ بلکه بر ستون تقوا پایه‌گذاری شده و در دامنه مواضع، اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها و نگرش‌های رهبری عمل می‌کند. جبهه سیاسی ما هم انقلاب اسلامی است.

اما نقش مردم، ما خالصانه برای مردم کار می‌کنیم. مردم سرزمین رشد انقلاب هستند، ما با مردم قوی هستیم، ما با موشک‌های مان قوی می‌شویم؛ اما اصل قدرت را موشک نمی‌دانیم. قدرت ما درون قلب‌ها و ذهن‌های مردم است. درون چشم‌های پر محبت و درون لفظ‌های روحیه بخش و درون اراده آنها، درون صبر و شکیبایی آنها و سر سفره‌های کم بضاعت و با بضاعت، درون آنهایی که برای تشییع پیکر یک فرمانده سپاهی ده‌ها شهیدشان زیر پای هم له می‌شوند. همه این مردم خوب هستند. خیلی سریع دل‌ها متمایل می‌شود، ظرفیت محبت مردم ما خیلی بالاست و زود این محبت خود را نشان می‌دهند.



حقه بازی هسته‌ای غرب!

و همچنین ارتباط بین فرانسه و عربستان، به نظر می‌رسد جدای از دشمنی آنها با جمهوری اسلامی، فرانسه تلاش می‌کند با توجه به برجام و مطرح کردن مذاکره مجدد با ایران، از عربستان اخاذی کند. این کشور در تلاش است در مسابقه دوشیدن عربستان به وسیله غرب، قافیه را نبازد و با وعده دخیل کردن سعودی‌ها در مذاکره ۵+۱ با ایران، دلارهای بیشتری را از این کشور بدوشد.

♦ سخن آخر

برژینسکی، مشاور سابق امنیت ملی اسبق آمریکا می‌گوید: «ادعای آمریکا در خصوص ساخت سلاح هسته‌ای توسط ایران بی‌معنی است. ایران کشوری با هویتی معتبر و با دولتی مستحکم است... پرداختن به موضوع ساخت بمب اتمی از سوی ایران مصداقی از حقه‌بازی است.» در هر حال، «حقه‌بازی هسته‌ای غرب» و در رأس آنها آمریکا و ترونیکی اروپایی، تاریخ مصرف محدودی داشته و اکنون به پایان رسیده است! نباید دولت‌مردان کشور اجازه مانور بیش از این غرب را در بحث هسته‌ای بدهند. جسور شدن آنها سبب شده است که آنها پارا فراتر از موضوع هسته‌ای بگذارند.

(پلینکن) بعد از ۳۳ ماه خوش‌بینی درباره بازگشت یک دولت دموکرات به برجام مهر بطلان زد و برای همیشه عبرتی شد برای غربگرایان خوش‌بین که سپردن امور اقتصادی کشور به راضی نگه داشتن یک کشور از خود، دقیقاً عین بی‌تدبیری و خیانت به منافع کشور است. با به قدرت رسیدن جو بایدن در آمریکا، به نظر نمی‌رسد سیاست خارجی این کشور به خصوص در مورد ایران، تغییرات محسوسی داشته باشد و تنها هوشمندانه‌تر و هدفمندتر خواهد شد.

♦ آیا تحریم رفع می‌شود؟

هنری کیسینجر درباره ضرورت برگشت آمریکا به برجام می‌گوید: «ما نباید خودمان را فریب دهیم. معتقد نیستم ذات توافق قبلی [برجام]، با محدودیت زمانی و کلی عبارات قابل فرار به چیزی جز گسترش سلاح‌های اتمی در کل خاورمیانه منجر شود.» وی ادامه داد، «سرن ایران به نظر نمی‌رسد که بخواهند دست از تهدید و امپریالیسم اسلامی‌شان (۱) بردارند. وندی شرم‌ن نیز بازگشت آمریکا به برجام را سخت‌گیرانه‌ترین تحریم‌های نفتی و بانکی را علیه کشورمان بر خلاف مفاد توافق برجام اعمال کرد، در برابر راهبرد فشار حداکثری ترامپ، صبر راهبردی را در پیش گرفت. صحبت‌های وزیر خارجه آمریکا

اکبر معصومی



کارشناس
مسائل بین‌الملل

روزنه

دست پیش را گرفته اند!

احمد بنافی

کارشناس سیاسی



وزیر خارجه جدید آمریکا در نخستین نشست خبری خود مدعی شد، ایران ابتدا باید به تعهدات برجامی خود عمل کند و سپس واشنگتن درباره بازگشت به برجام تصمیم می‌گیرد. در این خصوص بخوانید:

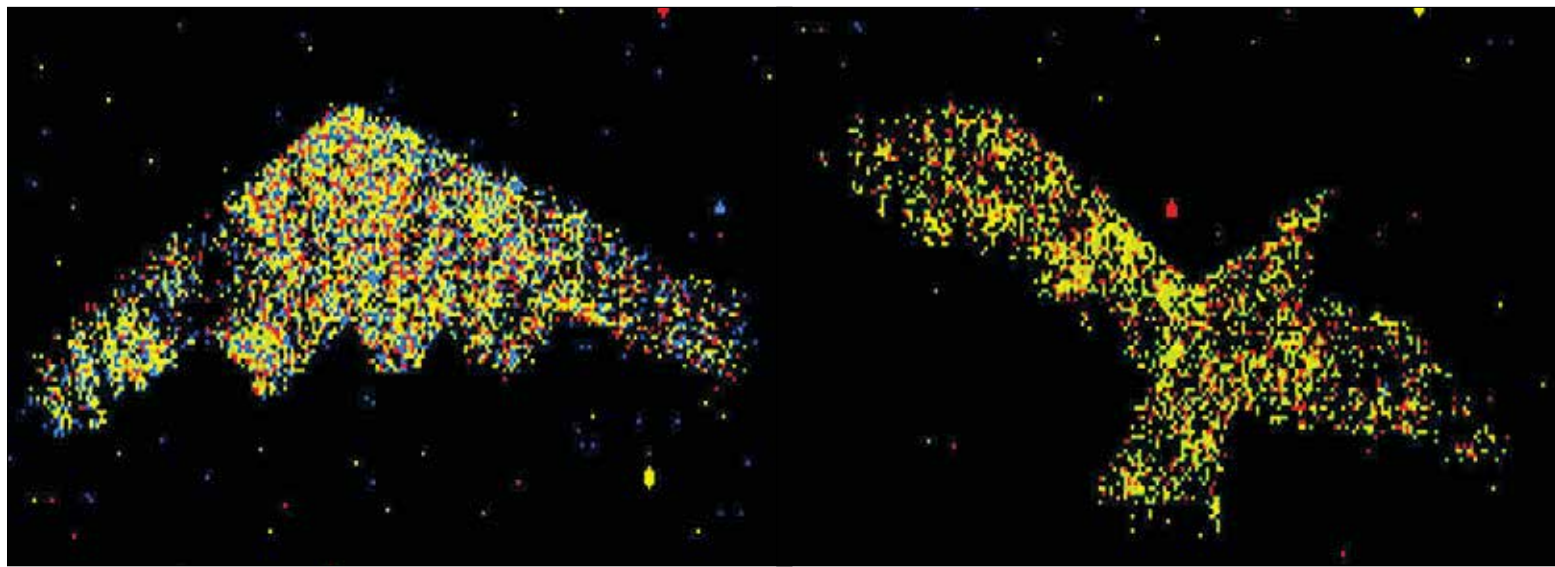
۱ | اظهارات آنتونی بلینکن را وقتی در کنار اظهارات لیندا توماس گرینفیلد گزینه بایسند برای تصدی نماینده آمریکا در سازمان ملل می‌گذاریم که گفته است ما به دنبال پیدا کردن مسیر مشترکی با چین و روسیه هستیم تا فشارها بر ایران را تشدید کرده و این کشور را وادار به رعایت کامل تعهدات برجامی کنیم، آشکارا آنچه را که بایسن و تیم امنیتی وی در مواجهه با جمهوری اسلامی تدارک دیده‌اند، نمایان می‌کند.

۲ | به راحتی می‌توان حدس زد برنامه چیست. طرح جو بایدن چیزی نیست جز گزینه فشار سیاسی منهای جنگ. به عبارتی بایدن به دنبال ایجاد اجماع بین‌المللی علیه ایران است، تا به اتفاق همکاران اروپایی خود ایران را به شورای امنیت کشتلاند و در مسیر کانالیزه شده مد نظر خود قرار دهد. جو بایدن به خوبی می‌داند که در این مسیر دورنمای بدون همراهی چین و روسیه چیزی جز انسداد نیست.

۳ | در کنار آن بایدن این را هم به خوبی می‌داند که منطقه پر تنش نابودکننده اجماع و برنامه آنان بوده و به همین دلیل است که ادامه رقابت تسلیحاتی را بی‌فایده و قراردادهای ترامپ با کشورهای عربی را مطلوب نمی‌داند. به عبارتی اکنون این بایدن است که می‌خواهد برای اجماع مد نظر خود اعتمادسازی کند.

۴ | تقریباً برنامه رئیس جمهور تازه راه یافته به کاخ سفید و تیم امنیتی او روشن است، می‌خواهند به برجام بازگردند، درست زمانی که ایران به تمامی تعهدات درون برجامی خود عمل کرده باشد و امیدوار است که بتواند از طریق همکاری با چین و روسیه، ایران را متقاعد به بازگشت به نقطه اول کند. به زبان ساده چین و روسیه بخشی از طراحی آنان است. البته برای آمریکا این تازه مقدمه کار است. بخش اصلی طرح زمانی آغاز می‌شود که مسیری برای سرایت و توسعه برجام به حوزه‌های امنیت ملی ایران بیابند.

اکنون گردانندگان کاخ سفید دست پیش را گرفته‌اند تا برداشتن تحریم‌ها به عنوان پیش‌شرط ایران برای بازگشت آمریکا به برجام، مسئله اصلی فی‌مابین نشود. تردیدی نیست که به راحتی می‌توان این طراحی را خنثی کرد، اگر بر این خواسته معقول خود مٌسَر باشیم و همزمان نگذاریم روسیه و چین بخشی از معماری آنان شوند.



دشمن در تله کوانتومی

رونمایی از توانایی جدید ایران در جنگ الکترونیک

حتی این فناوری جدید، روی توانمندی‌ها و محاسبات دشمن در موضوع جنگ الکترونیک علیه سامانه‌های آفندی و پدافندی کشورمان نیز تأثیر جدی و نامیدکننده‌ای خواهد گذاشت؛ چراکه به واسطه فناوریانه محور بودن موضوع جنگال، تجهیزات طرف مقابل به شدت تحت تأثیر قابلیت‌های کوانتومی کشورمان قرار خواهد گرفت و ماهیت اتکا به این موضوع در هرگونه تهدید، به شدت زیر سؤال خواهد رفت.

اهمیت این موضوع و تلاش برای پنهان نگاه داشتن تجربیات کسب شده به گونه‌ای است که طرف ۱۰ سال اخیر که شرکت‌های مشهوری همچون لاکهید مارتین در آمریکا، مشغول سرمایه‌گذاری صدها میلیون دلاری برای تولید محصولات کوانتومی و فروش آن به ارتش است، حتی امکان رصد و مشاهده جمعاً ۱۰ خبر در این خصوص در رسانه‌های عمومی ایالات متحده وجود ندارد و سایر رقبای همچون چین و روسیه نیز تاکنیکی مشابه را پیش گرفته‌اند.

با این اوصاف، حال که دانشمندان فعال در عرصه کوانتوم معتقدند این پدیده به قدری پیچیده و عمیق است که می‌توان با محاسبات ریاضی آن را نشان داد، اما از نظر مفهومی نمی‌توان به راحتی درک کرد، پس همچون بسیاری دیگر از رویدادهای اسرارآمیز، باید آن را یکی از آیات الهی دانست که فهم بشر، به تازگی موفق به درک آن شده و چه بهتر که در کنار رادارهایی که چشم بشر را به روی محصولات پنهانکار می‌گشاید، بصیرت اهل علم را بیش از گذشته کند که بهترین سلاح مقابله با دشمن، هنوز هم ایمان به خالق فوتون‌ها و فناوری کوانتوم است.

قرار داشته باشد، امکان پرتاب ماهواره کوانتومی به فضا را به دست آورده و صد البته پیش از آن، انتقال امن، فوق سریع و صدها کیلومتری اطلاعات با کمک پهپادها و بال‌های مجهز به این فناوری را عملیاتی کند.

اما یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین محصولات در حوزه نظامی و دفاعی که با کمک فناوری کوانتومی قابل دستیابی است، طراحی و تولید رادارهایی است که امکان شناسایی سریع، مطمئن و بدون آسیب انواع پرنده‌ها و سامانه‌های تهاجمی رادارگریز و پنهانکار را فراهم می‌کند. با عملیاتی شدن اینگونه از رادارها در هر کشوری، عملاً تهدیدات ناشی از ورود یا تهاجم محصولات پنهانکار بی‌اثر خواهد شد و از نظر فنی نیز چون اثر خروجی این رادارها بسیار پایین است، احتمال کشف آنها از طریق سامانه‌های دشمن بسیار ضعیف شده و به دلیل بهره‌گیری از ذرات فوتون، سرعت ارسال و انتقال داده‌ها در این سامانه‌ها بسیار بیشتر از رادارهای مرسوم در جهان است.

این موضوع در خصوص تولید نسل جدید «لیدار»ها نیز موجب جهش چشمگیری خواهد شد. در سیستم‌های لیدار، تشخیص و اسکن ۳بعدی محیط از طریق نور یا به نوعی می‌توان گفت لیزر انجام می‌شود و اکنون، طیف وسیعی از تجهیزات نسل جدید اعم از اتومبیل‌های خودران یا سامانه‌های شناسایی اجسام در زیر آب، از این فناوری بهره می‌برند. طبیعتاً طراحی و ساخت لیدارهای کوانتومی، نیروهای مسلح کشورمان را با طیف وسیعی از توانمندی‌های شناسایی، رهگیری و درگیری تجهیز خواهد کرد که برای دشمنان، قابل محاسبه و مقابله نیست.

کسک این دانش جدید، امکان ارسال اطلاعات رمزنگاری شده در لحظه فراهم و پیام موردنظر از طریق کلیدهای رمزگذاری، به مقصد ارسال و در آنجا دوباره به کمک ساختاری که به دلیل بهره‌گیری از درهم تیدگی کوانتومی، قابل کپی‌برداری و هک نیست، رمزگشایی می‌شود؛ بدین صورت که با کمک این دانش خاص، ابتدا با تولید فوتون‌های درهم تیده، یک جفت فوتون (کمترین مقدار قابل اندازه‌گیری در میدان امواج الکترومغناطیسی) از هم جدا شده و به مقصد مورد نظر ارسال می‌شود. این نظریه که از نظر انیشتین نیز محاسبه و انتقادی خارق‌العاده است، به زبان ساده می‌گوید که وقتی ذراتی مثل فوتون از یکدیگر جدا شوند، هرگونه تغییر در یکی از ذرات جدا شده و موجود در مقصد، روی ذره دیگر که در مبدأ وجود دارد هم قابل مشاهده است؛ مفهومی که تعبیر به انقلابی جدید در فناوری جهان شده است.

به طور خلاصه، مهم‌ترین خروجی‌ها و محصولات این فناوری در عرصه نظامی را می‌توان در ساخت رایانه‌های کوانتومی، ماهواره، رادارها و لیدارهای کوانتومی عنوان کرد که شروع به موقع کار و تحقیق روی این موضوع موجب شده تا جمهوری اسلامی ایران، اکنون در فاصله کوتاهی با دستاوردهای سایر کشورهای فعال در این حوزه قرار بگیرد و تنها به اندازه انگلستان یک دست، رقیب در فناوری کوانتومی داشته باشیم.

رهاورد بومی‌سازی چنین اتفاق مهمی موجب خواهد شد تا از هم اکنون، بتوان پیش‌بینی و نقشه راه مورد نظر را ترسیم کرد که ایران، تا سال ۱۴۰۴ که قرار است به مدد سند چشم‌انداز بیست ساله، در جایگاهی بهتر و رفیع‌تر از لحاظ علمی و صنعتی

حمزه پارباب

کارشناس دفاعی



برای علاقه‌مندان به دستاوردها و پیشرفت‌های دفاعی کشورمان، خبر خوش و مهم دستیابی جمهوری اسلامی ایران به فناوری کوانتوم، از جمله موضوعات مهمی بود که به دلایل مختلف از جمله سایه سنگین دعوای سیاسی روزمره و ویروس کرونا، آنچنان که باید و شاید، مورد توجه و بحث رسانه‌ها و کارشناسان داخلی قرار نگرفت.

اما این رخداد مهم که اکنون از گام انتقال امن اطلاعات در فاصله بیش از ۱ کیلومتر به موفقیت عبور کرده و به زودی به مرز ۱۰ کیلومتر می‌رسد، سرمنشأ تحولات و ایجاد محصولات متمایز و مهم در نیروهای مسلح خواهد شد که قطعاً شناخت و دلهره دشمنان از ظهور چنین قدرتی در کشورمان، بیش از گذشته و حال نمایان می‌شود.

در عین حال باید توجه داشت برای همین انتقال ۱ کیلومتری اطلاعات نیز سال‌هاست تعدادی از بهترین متخصصان کشورمان، مشغول طراحی ساختار و تولید تجهیزات متناسب برای رسیدن به این مرحله هستند و در روزها و هفته‌های اخیر، شرایط اعلام عمومی چنین موضوعی، فراهم شده است.

در حقیقت به صورت خلاصه و نسبتاً ساده‌سازی مفهوم، می‌توان گفت برآوردها نشان می‌دهد ظرف ۱۰ سال آینده، از فناوری کوانتوم در حوزه‌هایی چون انتقال امن اطلاعات، استفاده بسیار گسترده‌ای در ارتش‌ها و صنایع نظامی مدرن جهان می‌شود و به

عکس و مکت



مادرم؛ روزت مبارک! مادر شهید مفقودالامر مجید امید، هر وقت ببارون می‌آومد میرفت زیر بارون می‌ایستاد و چشمای ابریش بارونی می‌شد. وقتی ازش می‌پرسیدن آخه مادر من چرا وایستادی زیر بارون؟ آروم زیر لب زمزمه می‌کرد: «کلی گم کرده‌ام می‌جویم او را... آخه الان بدن مجید من زیر بارونه... بدن مجید من معلوم نیست کجاست... می‌خوام بگم مادرم، عزیزم، من به یادتم...» گرامی یاد یاد و خاطره همه مادران شهدا



تهدید تو خالی! وزیر جنگ رژیم صهیونیستی صحبت کرد و کلی بلوف زد و تهدید کرد که ایران رو می‌زنیم، لبنان رو می‌زنیم، خودمون تنها بی‌لات بازی در میاریم، اما تنها با یک تصویر، کل زحماتش به باد رفت. لبنانی‌ها با انتشار این تصویر که مختصات ساختمان را در برداشت، نوشتند وزیر جنگ از اینجا لبنان را تهدید می‌کرد! صهیونیست‌ها کم کم همین تهدیدهای توخالی را هم که با آن روزگار می‌گذرانند، جریتم نمی‌کنند اعلام کنند.



ساده و صمیمی! خانواده دانشمند برجسته و ممتاز هسته‌ای و دفاعی کشور شهید محسن فخری‌زاده با رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، عظمت یافتن نام شهید فخری‌زاده در میان عموم مردم و ابراز تأسف بسیاری از جوانان از ناشناخته بودن او در زمان حیاتش را از دیگر آثار اخلاص شهید دانستند. سادگی اتاقی که امام خامنه‌ای در آن پذیرای مهمانانش بود، در شبکه‌های اجتماعی بازخورد بسیاری داشت.



حضرت ابوالفضل همراهت! مهرباد می‌تواند، فوتبالیست سابق تیم ملی فوتبال و پرسپولیسیس هفته گذشته بر اثر کرونا درگذشت. او که چندین مرتبه اعلام کرده بود زندگی خود را مدیون حضرت ابوالفضل (س) است، ارادتش را بارها به شهدای مدافع حرم و فرزندان‌شان نشان داده بود. تصویر، می‌تواند را کنار فرزندان شهدای مدافع حرم نشان می‌دهد. روحش شاد و پادش گرامی

یادداشت شفاهی

بی‌نظمی

مبتنی بر نظم جدید!

علی ودایع

کارشناس بین‌الملل



ایالات متحده آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و سپس از افول قدرت‌های استعمارگر اروپایی همواره سیاست خارجی خود را بر اساس دکترین «بی‌نظمی مبتنی بر نظم جدید» تنظیم کرده است. این دکترین تاکنون در تمامی مقاطع زمانی در سیاست خارجی آمریکا اجرا شده است. در زمان «دونالد ترامپ» شاهد تئوری «مرد دیوانه» در سیاست خارجی آمریکا بودیم. هدف اصلی این راهبرد ایجاد بی‌نظمی در نظام بین‌الملل و افول آمریکا در جهان بود؛ اما در روز تحلیف «جو بایدن» جمله تأمل‌برانگیزی گفت: «آمریکا بازگشت» این جمله بایدن این پیام را رساند که اکنون آمریکا به دنبال نظم جدیدی در نظام بین‌الملل است. بازگشت آمریکا به توافق پاریس و بازگشت «جیم کری» به وزارت خارجه آمریکا نشانه‌ای از عزم راسخ دموکرات‌ها در ایجاد ائتلاف‌سازی و چند جانبه‌گرایی هم‌راه با متحدان اروپایی خود است. اما در مقطع فعلی وضعیت به نوعی پیچیده‌تر شده است؛ اکنون آمریکایی‌ها در دوران بایدن به دنبال اجرایی کردن اصل «فشار هوشمند» در سیاست خارجی و دیپلماسی خود هستند؛ انتخاب «آنتونی بلینکن» به عنوان وزیر خارجه دلیلی محکم بر اجرای این اصل از سوی آمریکایی‌ها نسبت به رقبای خود در نظام بین‌الملل است؛ قطعاً با تصدیق آنتونی بلینکن در وزارت خارجه آمریکا شاهد تحولات مهم و سنگین سیاسی در غرب آسیا، آسیای شرقی (چین) و روسیه و اروپایی شرقی خواهیم بود. آنچه درباره سیاست‌های آمریکایی در زمینه اروپای شرقی و غرب آسیا وجود دارد، این است که ما شاهد «انقلاب‌های مخملی» در کشورهای اروپای شرقی و حتی در داخل خود روسیه خواهیم بود. از طرف دیگر ما در غرب آسیا بار دیگر نظاره‌گر «بهار عربی» در کشورهای عربی خواهیم بود، البته نباید فراموش کرد که حقوق بشر و دموکراسی یکی از اصلی‌ترین شعارهای اعلامی دموکرات‌ها در سیاست خارجی آمریکاست. نکته حائز اهمیت دیگر که وجود دارد، این است که با وجود برنامه‌های کلان آمریکایی‌ها برای منطقه، انتخاب بلینکن پیام‌های بسیار مهمی به همراه دارد؛ وی در مقطعی دست‌پشت پرده برجام بوده، در اتاق عملیات کشتن اسامه بن لادن حضور داشته است؛ قطعاً حضور چنین فردی در دستگاه دیپلماسی آمریکا، نشان‌دهنده پیام‌های مهمی از سوی آمریکا برای ایران، عربستان، عراق و رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید. چیزی که انتظار می‌رود، این است که آمریکایی‌ها با وعده احیای برجام به دنبال «برجام پلاس» و خواهان امتیازهای بیشتر از ایران هستند؛ در این بین یقیناً شاهد سقوط «محمد بن سلمان» متحد دیرینه ترامپ در عربستان و ظهور شاهزاده‌های نزدیک به طیف دموکرات خواهیم بود؛ این راستا قطعاً نکات تاریک «پرونده قتل جمال خاشقچی» در زمان دموکرات‌ها روشن خواهد شد، زیرا دموکرات‌ها برخلاف ترامپ از خون خاشقچی نخواهند گذشت؛ اما موضوع به ایران و عربستان ختم نمی‌شود و در این بین رژیم صهیونیستی و عراق از این طوفان سیاسی بی‌نصیب نخواهند ماند، زیرا دموکرات‌ها نمی‌خواهند با «تانیاهو» در منطقه همکاری‌های گسترده‌ای داشته باشند و طی اتفاقات اخیر در رژیم صهیونیستی، جایگاه سیاسی تانیاهو نیز به شدت متزلزل شده؛ علاوه بر این موضوع، شخص آنتونی بلینکن از طرفداران سرسخت تئوری «خاورمیانه بزرگ» در خصوص عراق است.

مصطفی خوش‌چشم تحلیلگر مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با صبح صادق

بایدن تحریم‌های اثرگذار را لغو نمی‌کند

چهارشنبه هفته گذشته بود که جو بایدن به عنوان چهل و ششمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در برابر دوربین‌های جهان سوگند یاد کرد. جو بایدن در قبال دونالد ترامپ که به عنوان یکی از پرحاشیه‌ترین رؤسای جمهوری این کشور قلمداد می‌شود، توانست اتاق بیضی کاخ سفید را به نام خود ثبت کند که به صراحت می‌توان گفت، موانع سختی جلوی پای وی بود. با روی کار آمدن جو بایدن خیلی‌ها معتقدند، بار دیگر آمریکا به برجام برمی‌گردد و تمام تحریم‌ها علیه ایران برداشته می‌شود؛ ولی وقتی جورجینا را در کنار هم بگذاریم، احتمال این اتفاق شاید به منفی صفر هم برسد. در همین باره با مصطفی خوش‌چشم، تحلیلگر مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کرده‌ایم.

زهرا ترابی

خبرنگار



با توجه به آنچه از روز اول کاری جو بایدن نشان داده شده که در صدد لغو امضاهای دونالد ترامپ است، آیا می‌توان ارزیابی کرد اقدامات وی شامل تحریم‌های ایران خواهد شد؟

نوع نگاه بایدن به مسائل به گونه‌ای است که مسائل داخلی آمریکا و مسئله مهاجران و بازگشتن به معاهده آب و هوایی پاریس را اولویت می‌داند و بحث سیاست خارجی ایران و چین را برای ماه دوم به بعد گذاشته است. در عین حال اقداماتی که آقای ترامپ انجام داده است، پیش‌زمینه‌ای برای دولت بعدی بوده، فارغ از اینکه چه کسی حاکم شود. راهکار آمریکا مهار قدرت جمهوری اسلامی در همه حوزه‌هاست و تحریم یکی از اسلحه‌های آمریکا به شمار می‌آید که همیشه از تحریم استفاده می‌کند. در دوره ترامپ، متأسفانه تحریم در حوزه‌های مختلفی استفاده شد. اوایما تحریم‌ها را روی کاغذ برداشته بود و این تحریم‌ها به گونه‌ای تنظیم شده که حتی اگر بایدن بخواهد به طور عملی تحریم‌ها را برود، تأثیری بر اقتصاد

ما نخواهد داشت و بانک مرکزی ما همچنان در تحریم خواهد بود؛ چون تحریم‌های ثانویه تحت عنوان تروریسم، موشکی و... باقی خواهند ماند. این کار انجام شده است تا برای برداشتن هر رشته تحریم درخواست معامله کنند و از این طریق جمهوری اسلامی را تضعیف کنند و از بین ببرند. از این رو برنامه‌ای مدون و شناخته شده ریختند و اتفاقاً پایه‌گذاران این فرمول کسانی هستند که امروز بر سر کار خود برگشته‌اند.

بنابراین، نگاه بایدن هم نگاه حداکثری است و با نگاه اوایما و ترامپ هیچ تفاوتی ندارد. راهبرد کلی آمریکا مهار ایران است. البته شاید به نسبت دوران اوایما و ترامپ وضعیت بهتری داشته باشیم، زیرا تحریم‌ها حداکثر میزان تأثیرگذاری خود را در یک سال و نیم تا دو سال گذشته داشته است و بعد از این، شروع به افت می‌کند. تحریم سلاح طبق این فرمول در حال از دست دادن کارایی خود است. رکن دوم، تهدید به اقدام نظامی است که در از این رو آقای بایدن برای پیشبرد راهبرد مهار

مؤلفه‌های ضعیف شده‌ای در اختیار دارد که عملکرد افراطی آقای ترامپ موجب تضعیف این مؤلفه‌ها شده است. از سوی دیگر، ایشان در داخل بسیار ضعیف شده است؛ چرا که افتراق و جو دوگانگی در داخل ایالات متحده حاکم است که بخش بسیاری از انرژی ایشان را خواهد گرفت.

بنابراین، در داخل توانمندی سابق را برای تقابل بیرونی ندارد. جمهوری اسلامی در ابتدای راه مقاومت فعال است و برای تقویت قدرت خود گزینه‌های زیادی پیش رو دارد؛ از این رو به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی می‌تواند بر خلاف سال‌های گذشته دست بهتر و قوی‌تر و قدرتمندتری داشته باشد. از این روزمان به نفع جمهوری اسلامی خواهد بود.

ایران در چنین شرایطی باید چه راهبردی در پیش بگیرد؟

اولاً، بایدن به هیچ عنوان تحریم‌های مؤثر را برنمی‌دارد، حال ایران با بایدن و تیمش چه بخواهد مذاکره داشته باشد چه نداشته باشد؛ ولی درخواست جمهوری اسلامی می‌تواند همان چیزی باشد که امروز هم مطرح می‌کند. گام اول این است که آمریکا از تمام تحریم‌های چهار سال گذشته که ناقض صریح برجام است، دست بردارد. در چارچوب کلی آمریکا به دنبال حل منازعه نیست. اوایما به کمتر از این عمل نکرد و چه برسد به بایدن و وضعیت امروز در عین حال به این جهت که ایران ابزارهای قدرتی دارد که در آینده می‌تواند از آنها استفاده کند؛ از جمله مصوبه مجلس همچنین مؤلفه‌های قدرت مثل بحث موشکی و هسته‌ای. از این رو ایران در ابتدای راه مقاومت فعال است و در صورتی که به استفاده از ابزارها اراده کند، می‌تواند وضعیت و موضع خود را قدرتمندتر کند و دست برتر داشته باشد. در حالی که بایدن با وضعیت فعلی رو به ضعف است و جایگاه ما بهتر و قدرتمندتر از آمریکاست.

بنابراین، ایران نباید هیچ‌گونه انعطافی بیش از آن چیزی که امروز از خود نشان داده، بروز بدهد ضمن اینکه در صورت خلف وعده از طرف آمریکا، ایران باید مصوبه مجلس را اجرا کند؛ همچنین دیگر ابزارهای فشار را بر روی آمریکا اعمال کند تا جدیت

خود را بیش از پیش اعمال کند.

شاهد بودیم ترامپ با برخی از کشورهای عربی که ارتباط جالبی نیز با ایران نداشتند، توانست ارتباط تنگاتنگی بگیرد؛ آیا جو بایدن این ارتباط تنگاتنگ دونالد ترامپ را ادامه خواهد داد؟

قطعاً بایدن در کنار ایجاد ائتلاف جهانی به سمت ایجاد ائتلاف منطقه‌ای می‌رود. اوایما در قبال ایران بیشتر به ائتلاف اروپایی تمرکز کرده بود و ترامپ به ائتلاف منطقه‌ای معطوف شد؛ ولی بایدن هر دو گزینه را در نظر خواهد داشت. البته بایدن مشکلاتی با خاندان بن سلمان دارد، اما با عربستان مشکلی ندارد و عربستان را همچنان به عنوان یک دوست و متحد می‌داند. با رژیم صهیونیستی هم به همین صورت است و روابط دولت بایدن با غاصبان قدس شریف روابطی مستحکم خواهد بود. آنها به دنبال برجام منطقه‌ای هستند و ایجاد ائتلاف منطقه‌ای در تقابل با جمهوری اسلامی از دیرباز در دستور کار واشنگتن بوده و هست و چیز جدیدی نیست. از دوران ترامپ هم‌زمان با خروج او از برجام، سعی شد ائتلاف منطقه‌ای عربی و صهیونیستی درست شود تا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران و تقویت رژیم غاصب صهیونیستی جبهه‌ای ایجاد شود. بنابراین، بایدن همین راهبرد را در پیش می‌گیرد؛ چون آنها خواستار فشار بر جمهوری اسلامی هستند تا ایران به برجام منطقه‌ای تن دهد. در حقیقت این بخشی از راهبرد آمریکا در منطقه غرب آسیاست. در ماجرای ترور شهید فخری‌زاده و ماجرای خرابکاری نفنز اگر چه رژیم صهیونیستی متهم اول است؛ ولی در کلیت این موارد بخشی از جورچین تقابل آمریکا با ایران است تا تهدید را معتبر کنند و راهبرد مهار آمریکا کارکرد پیدا کند. امروز عنصر تهدید معتبر آمریکا علیه ایران دچار مشکل شده و در منطقه دیگر اعتباری ندارد و شاید آمریکا بخواهد برای جبران این کمبود از رژیم صهیونیستی کمک بگیرد، در هر صورت این رژیم بخشی از راهبرد تقابل آمریکا با جمهوری اسلامی و محور مقاومت است و به صورت جداگانه‌ای تعریف نمی‌شود.

توطئه مشترک

«راب مالی» نماینده ویژه آمریکا در امور ایران به تازگی با مقام‌هایی از کشورهای آلمان، فرانسه و انگلیس صحبت کرد تا با اعضای اروپایی برجام درباره دیدگاه‌شان در زمینه این توافق رایزنی کند. خبرگزاری رویترز با انتشار این خبر نوشت که یک دیپلمات اروپایی که از این تماس‌ها مطلع بوده، درباره گفت‌وگویی راب مالی با مدیران سیاسی وزارت‌خانه‌های خارجی آلمان، فرانسه و انگلیس گفت: «این (تماس‌ها) برای جمع‌بندی پرونده و ارزیابی وضعیت فکری ما بوده است.» به نظر می‌رسد دولت جدید آمریکا در تدارک توطئه مشترک با آمریکایی‌ها برای از بین بردن مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران تحت مذاکرات مجدد بر سر برجام است.



ادامه بازی ترامپ!

«جن ساکی» سخنگوی کاخ سفید گفت که نخستین گام برای ایران پایبندی به محدودیت‌هایی است که برجام برای برنامه هسته‌ای ایران در نظر گرفته است. وی گفت: «پیش از در نظر گرفتن هرگونه دیدار میان مقامات ایران و آمریکا، نخستین گام این است که ایران به محدودیت‌های قابل توجه تحت برنامه برجام پایبند باشد.» ساکی در پاسخ به پرسش خبرنگاری که از وی درباره جدول زمانی تعامل با ایران درباره برنامه هسته‌ای این کشور پرسیده بود، گفت: «من قصد ندارم جدول زمانی در این باره ارائه دهم. آشکار است که این نیازمند پایبندی ایران به ضرورت‌های توافق هسته‌ای است.»



شکست حداکثری

وزیر امور خارجه کشورمان به شرط‌گذاری اخیر آنتونی بلینکن، وزیر خارجه جدید آمریکا درباره بازگشت این کشور به برجام پاسخ داد. محمدجواد ظریف در پیامی توییتی نوشت: «بررسی واقعیت برای آنتونی بلینکن؛ ایالات متحده برجام را نقض کرد، از ورود دارو و غذا برای ایرانی‌ها مانع کرد، و (ایران را به خاطر) پایبندی به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل در تمام آن دوره نابسامان (دوره دولت ترامپ) تنبیه کرد، ایران به برجام پایبند ماند و تنها اقدامات اصلاحی پیش‌بینی شده (در بند ۳۶ برجام) را اتخاذ کرد. خوب حالا چه کسی باید اولین گام را بردارد؟ هرگز شکست حداکثری ترامپ را فراموش نکنید.»



تقویت ثبات افغانستان!

هدف ایران از دعوت هیئت طالبان



اسماعیل باقری

کارشناس مسائل افغانستان

بوده است. ایران در همان زمان نیز بر برگزاری اجلاس در کابل حتی بر مشارکت طالبان ساقط شده از قدرت تأکید داشت؛ منتهی این آمریکایی‌ها بودند که مخالف حضور طالبان در نشست بن شدند. اکنون نیز آمریکا صحنه گردان مذاکرات صلح است و اساساً دولت کابل در مذاکرات مستقیم آمریکا با طالبان حضور نداشته و در مذاکرات بین‌الافغانی نیز رهبران اصلی جریان‌های سیاسی نقش حاشیه‌ای و کم‌رنگ دارند و اساساً نمایندگان از این احزاب هم اگر در هیئت مذاکره‌کننده دولت افغانستان حضور داشته باشند، عمدتاً جنبه «نمایشی و نمادین» دارد. هر چند نگرانی رهبران طالبان از بازنگری توافق دوحه از سوی دولت جو بایدن جدی است، اما ایران تلاش می‌کند تا به رهبران طالبان گوشزد کند تا زمانی که الگو و تعریف مشخصی از ایجاد نظام خالص اسلامی با امارت اسلامی، ارائه نکنند و جامعه مدنی، احزاب تأثیرگذار سیاسی و مطالبات مردم را نادیده بگیرند، اجازه نخواهند داد تا «جمهوریت» و «نظام جمهوری اسلامی» در افغانستان قربانی شود. البته ایران بر این باور است که طالبان بخش انکارناپذیر و واقعیت عینی جامعه افغانستان است، اما این به معنای نادیده گرفتن سایر اقوام و مذاهب نیست. در واقع آمریکایی‌ها با پنهان‌کاری در مورد مفاد توافق دوحه و معامله با طالبان (دادن حکومت به طالبان در قبال حفظ پایگاه‌های نظامی و استمرار حضورشان در منطقه)، به خوبی نشان دادند که امنیت و صلح در افغانستان نه تنها دغدغه آمریکا نبوده و نیست، بلکه به دنبال «تصاعد بحران» و «جایگزینی داعش به جای طالبان» هستند. وضعیت وخیم امنیتی و پیچیدگی صحنه درگیری‌ها در این کشور نیز حاصل سیاست‌های واشنگتن است و اگر رهبران طالبان به دنبال ایجاد نظام اسلامی و امنیت در افغانستان هستند، باید با بازنگری همراه شوند که تنها هدف و خواسته‌شان از اقدامات سیاسی، تولید امنیت و آرامش برای مردم افغانستان است و تهران با این رویکرد به افغانستان و مذاکرات صلح و بازنگران آن می‌نگرد.

توطئه‌ای با هدف انتخاباتی

آمریکا، ناولنی و سرمایه اجتماعی پوتین



محمد شیرینی

کارشناس بین‌الملل

و هدایت عقلا، آنها را به پارو زدن هماهنگ و هم‌زمان در یک مسیر وای دارد، در آن صورت کشتی می‌تواند به هدف برسد؛ اما اگر هرکسی برای خود و ناهماهنگ با بقیه پارو بزند، نیروها هدررفته و احتمالاً کشتی به دور خود می‌چرخد و در هنگام طوفان غرق می‌شود. لذا تمام تلاش این مراکز تحلیل بردن سرمایه اجتماعی پوتین بوده است. یکی از مهم‌ترین ابزارها گسترش نارضایتی‌های داخلی مانند اعتراضات الکسی ناولنی است. الکسی ناولنی که عمده فعالیتش در دهه آخر قرن بیستم شاهد بدهی‌های سنگین و تورم گسترده بود. زمانی که پوتین قدرت را در دست گرفت تلاش‌های گسترده‌ای در راستای اصلاح این مورد انجام داد. لذا اکنون بدهی روسیه ۲۳ برابر کاهش یافته است. به عبارتی بدهی روسیه در سال ۲۰۰۰ حدود ۶۹ درصد بود که اکنون به سده‌صده رسیده است. دستاورد دوم پوتین که بسیار مهم است، کاهش تورم در روسیه است. همچنان که در شکل زیر می‌بینیم، تورم روسیه از سال ۱۹۹۹ که هشت و نیم درصد بود، در سال ۲۰۲۱ به ۳/۲۵ درصد رسیده است. دستاورد دیگر پوتین در حوزه سیاست خارجی است. او با سیاست‌گذاری صحیح توانسته است که قدرت روسیه را در سطح بین‌الملل، علیرغم تحریم‌ها به سطح بالایی برساند. عواملی که در بالا ذکر شد و رقابت تنگاتنگ کشورهای غربی به رهبری آمریکا موجب شده است که این کشورها تمام تلاش خود را انجام دهند تا روسیه را به سطح قدرتی منطقه‌ای فرو بکشند. اگرچه بسیاری از راهبردهای کشورهای غربی، خصوصاً آمریکا در این مدت راهگشا نبود است و سرمایه اجتماعی پوتین در بین مردم کشورش روزبه‌روز گسترش می‌یابد، تلاش جبهه غربی این بوده که ابزارهای لازم برای فشار بر روسیه را حفظ کند. اندیشکده‌ها و مراکز راهبردی آمریکایی به خوبی می‌دانند که اهمیت سرمایه اجتماعی برای یک نظام اجتماعی مانند پارو زدن یک کشتی است؛ اگر پارو زدن همه در یک کره باشد که تنها راه نجات آنها حفظ کشتی از غرق شدن و کوشش در جهت رسیدن به هدف باشد، ناخدا نیز باتدبیر

بایدن و پرونده قطر شکست در برابر ایران

قدرت آفندی و پدافندی ایران

وبگاه صهیونیستی اسرائیل دقیقش: ایرانی‌ها برای از میان برداشتن پدافند هوایی اسرائیل، توانمندی هجومی برای خود ایجاد کرده‌اند. سامانه‌های پدافند هوایی مخصوص مقابله با پهپاد در اسرائیل، راهکار بی‌تقصی برای مقابله با پرندهای بدون سرنشین ندارد. وجود بسیاری از پایگاه‌های پهپادی ایران در زیر زمین، توانمندی اسرائیل را برای خنثی کردن این عملیات‌ها کاهش می‌دهد.

تهدید اصلی

«آلون بسن دیوید» تحلیلگر امور نظامی رژیم صهیونیستی در مقاله‌ای در روزنامه صهیونیستی «معاریو» تأکید کرد، حزب‌الله تا به امروز موفق به جمع‌آوری موشک‌هایی با برد متوسط و طولانی شده و به هرگونه حمله اسرائیل به خاک لبنان با آتش پاسخ خواهد داد. این تحلیلگر صهیونیست اظهار داشت، تهدید اساسی استراتژیک برای اسرائیل در سوریه وجود ندارد؛ بلکه این تهدید مشخصاً در لبنان است و تاکنون اسرائیل از پرداختن به آن اجتناب کرده است.

ترس از پیشرفت‌های ایران

روزنامه اسرائیلی «جرزالم پست» بر اساس یک تحقیقات میدانی پیرامون تهدیدات ناشی از پیشرفت علمی و توسعه فناوری در جهان اسلام برای امنیت رژیم صهیونیستی تأکید کرد که کشورهای شیعه‌نشین تهدید بزرگی نسبت به کشورهای سنی برای اسرائیل هستند. جمهوری اسلامی ایران تلاش زیادی برای ساخت موشک‌های نقطه‌زن در لبنان می‌کند و حضور ایران در نزدیکی مرز اسرائیل تهدیدی جدی برای امنیت تل آویو است و اگر جنگی در منطقه مرزی فلسطین اشغالی ایجاد شود، رژیم صهیونیستی شاهد عواقب نظامی و اقتصادی ناگواری خواهد بود.

تلاش بی‌فایده

وبگاه اطلاعاتی «دبکافیل» نزدیک به منابع اطلاعاتی رژیم صهیونیستی: هدف اصلی نتانیاهو از سفر به امارات (هفته اول فوریه)، فعال کردن «محور عربی-عبری» علیه ایران است که از سوی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور سابق آمریکا در سپتامبر سال قبل از طریق توافق‌های سازش موسوم به «توافق‌های آبراهام» شکل گرفت.

تعامل اجتناب‌ناپذیر

اندیشکده آمریکایی صندوق جرمن مارشال ایالات متحده: راهبردهای بایدن در برابر ایران مشتمل بر دو راهبرد است: سیاست دولت بایدن در قبال ایران، ابتداری دو هدف مربوط به «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) متمرکز باشد. هدف اول، متقاعد کردن ایران به بازگشت به تعهداتش در جنبه‌های فنی هسته‌ای توافق است. هدف دوم، آغاز «مذاکرات الحاقی» درباره سه حوزه فراتر از برجام است: اقدام ایران در ساخت موشک‌های بالستیک، اقدامات منطقه‌ای ایران و تمدید دوره زمانی [محدودیت‌های وضع شده علیه] برخی از جنبه‌های فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ایش.

پروژه لیبی برای ایران

«عبدالباری عطوان» تحلیلگر برجسته جهان عرب: آمریکا با بازگشت به برجام می‌خواهد قدرت موشکی ایران و بازوهای نظامی آن در منطقه را از بین ببرد؛ آمریکا همین کار را با عراق و لیبی کرد و سپس به آنها حمله نظامی کرد.

نوانایی‌های مکمل

وبگاه خبری «ایلاف» عربستان سعودی: ایران طیف گسترده‌ای از توانایی‌ها را در منطقه و به شکل ویژه در یمن و عراق از جمله هواپیماهای پیشرفته بدون سرنشین و موشک‌های هدایت از راه دور در اختیار دارد و تهران بدون اینکه اسرائیلی‌ها بتوانند این موشک‌ها را ردیابی کنند، می‌تواند از آنها استفاده کند و همین امر نشان‌دهنده ظرفیت بالای ایرانی‌ها در این زمینه است.



جهان

شماره ۹۸۷ | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۹

صداقت

یادداشت

نمایش انحرافی!



احد کریم‌خانی

دبیر گروه بین‌الملل

تروویستی نامیدن انصارالله یمن در آخرین روزهای ریاست جمهوری دونالد ترامپ که از منظری خاص خوش خدمتی به برخی شرکای منطقه‌ای بود، دقیقاً در راستای مخرب و بحران‌ساز آمریکا در منطقه صورت می‌گیرد که یکی از اهداف مهم آن مهار هر گونه حرکت ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی در منطقه غرب آسیاست. اگرچه دولت بایدن اعلام کرده است، در نظر دارد تا با اتخاذ رویکرد جدید در این تصمیم تجدیدنظر کند، اما این رویکرد که به دنبال اعتراضات گسترده نهادهای بین‌المللی، نمایندگان کنگره و... اتخاذ شده است، هرگز نمی‌تواند به معنای تقییح یا مخالفت با جنایات ضدبشری سعودی در حق مردم یمن یا موافقت با جنبش انقلابی یمنی‌ها باشد و تنها نمایشی برای انحراف اذهان از حمایت‌های آمریکا از کشتار مردم مظلوم یمن است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که در پشت پرده تروویستی اعلام کردن انصارالله یمن چه اهداف و مقاصد نهفته است؟ در این زمینه اهداف متعددی قابل شناسایی است؛ از جمله:

۱- دولت آمریکا فرقی نمی‌کند جمهوری خواه باشد یا دموکرات، همیشه به جنگ‌ها، بحران‌ها و تنش‌هایی که در مناطق مختلف به ویژه غرب آسیا وجود داشته، به منزله یک منبع درآمد مهم نگریسته است. نگاه اقتصادی به جنگ‌ها در زمینه جنگ یمن نیز صدق می‌کند، از این رو تروویستی اعلام کردن انصارالله از یک منظر می‌تواند برخلاف شعارهای زیبا و فریبنده حقوق‌بشری آمریکایی‌ها، سرفصل جدیدی برای ادامه فروش سلاح در منطقه تعبیر شود. ۲- دولت آمریکا از همان ابتدای تجاوز عربستان سعودی به یمن، به انحای مختلف یکی از حامیان اصلی ریاض بوده است. این موضوع نه تنها به تضعیف اعتبار و وجهه بین‌المللی آمریکا منجر شده، بلکه در بیسن افکار عمومی منطقه و جهان نیز مخالفت‌هایی را علیه کاخ سفید برانگیخته است. برای مقابله با این روند، آمریکایی‌ها چاره‌رادر تروویستی اعلام کردن انصارالله دیده‌اند تا بلکه از این طریق هم بر تجاوز سعودی‌ها به یمن وجهه قانونی ببخشند و هم حمایت‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی و دیپلماتیک خود از ریاض را در مسئله یمن مشروع جلوه دهند. ۳- تحریک افکار عمومی مردم یمن علیه انصارالله یکی دیگر از اهداف دولت آمریکا از قرار دادن انصارالله در فهرست گروه‌های تروریستی است؛ آن هم در شرایطی که انصارالله یک گروه یا حزب یا سازمان سیاسی نیست؛ بلکه نماینده بخش بزرگی از ملت یمن است. از این رو تروویستی اعلام کردن انصارالله جز به معنای تروریست نامیدن ملت یمن نیست. ۴- متوقف کردن روند پیروزی‌های نظامی، سیاسی و میدانی انصارالله در یمن که سبب شکست و متوقف کردن طرح‌های سعودی-آمریکایی-اماراتی-اسرائیلی در یمن شده است. ۵- حفظ بحران در یمن از طریق افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه انصارالله و همچنین جلوگیری از پیشبرد فرآیند گفت‌وگوهای یمنی-یمنی.

در پایان باید تأکید کرد، با تمام اهداف مذکور، قرار دادن نام انصارالله در فهرست گروه‌های تروریستی نمی‌تواند آثار چندانی در جایگاه انصارالله و موفقیت‌های و پیروزی‌های آن در عرصه تحولات داخلی یمن داشته باشد.

یادداشت

تولید متناسب با بازار

ولی‌الله افخمی‌راد

معاون وزیر اسبق صمت

بدون شک بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد و تولید ملی ما از اهمیت بالایی برخوردار هستند. متأسفانه، در اقتصاد ایران، این بنگاه‌ها با مشکلات فراوانی دست به گریبان هستند. برخی از بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور بر اثر توفیقی که در فعالیت‌های بنگاه‌های بزرگ تولیدی به وجود آمده، دچار مشکلاتی شده‌اند. این مسئله در مواردی تیراژ تولیدی واحدهای کوچک و واحدهای تولیدی را به تعطیلی کشانده است. بنابراین دولت‌مردان باید به نحوی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند تا واحدهای بزرگ، به خصوص واحدهایی که حیات بنگاه‌های کوچک و متوسط در گرو تداوم تولید آنهاست، بتوانند بدون هیچ خللی به فعالیت خود ادامه دهند. از سوی دیگر برخی بنگاه‌های کوچک و متوسط ما در زمینه تأمین مواد اولیه دچار مشکلات فراوانی هستند. ورود دولت در امر کمک و حمایت از این بنگاه‌ها به عنوان یک اصل مهم، ضروری به نظر می‌رسد. گاهی نیز بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اثر شرایط جدید پیش آمده، بازار مصرف خود را از دست داده و این مسئله برای تداوم تولید کشور به یک چالش تبدیل می‌شود. نمونه بارز آن را می‌توان کاهش قدرت خرید شهروندان دانست؛ موضوعی که طبیعتاً میزان مصرف کالاها را کاهش داده و همین موضوع بی‌شک می‌تواند تداوم تولید این بنگاه‌ها مانند سابق را دچار اختلال کند. البته مشکلات فراوان دیگری نیز وجود دارد که نیازمند شناخت دقیق و یافتن راه حل مناسب هستند.

اقتصاد ایران نیازمند حذف مقررات دست و پاگیر برای ایجاد و گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی است. این مسئله یک ضرورت مهم در جهت تسهیل شکل‌گیری واحدهای کوچک و متوسط است. ضمن اینکه باید به موضوع بهبود فضای کسب و کار کشور نیز توجه ویژه‌ای داشته باشیم؛ چرا که بهبود فضای کسب و کار در استمرار فعالیت این واحدهای تولیدی نقش بسیار مؤثری دارد. علاوه بر این موارد، نباید از بحث تأمین سرمایه لازم این واحدها نیز چشم پوشید. البته شرط لازم برای حمایت در تأمین سرمایه این است که واحد مورد نظر باید محصولی تولید کند که تقاضای مناسب و بازار خوبی داشته باشد؛ به این ترتیب به محض تولید کالا، محصول مورد نظر به فروش رفته و سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی بهبود می‌یابد. ضمن اینکه نباید از کم‌کاری بانک‌ها در زمینه پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز غافل بود، هدایت منابع بانک‌ها به سمت ایجاد و گسترش این فعالیت‌ها می‌تواند به منزله مشوقی برای گسترش این بنگاه‌های اقتصادی به شمار آید. این در حالی است که بانک‌های ما معمولاً متمایل به پرداخت تسهیلات برای فعالیت‌های تجاری است که بازدهی بیشتر و مدت زمان بازگشت کمتری دارند و در صورت تسهیلات‌دهی به فعالیت‌های تولیدی وام به بنگاه‌های بزرگ اقتصادی را ترجیح می‌دهند؛ زیرا وام‌دهی به بنگاه‌های کوچک و متوسط برای شان با ریسک بیشتری همراه است.

درس‌های برجام برای اقتصاد ایران

چرا بازگشت آمریکا به برجام نمی‌تواند نقشی در بهبود وضعیت اقتصادی کشور داشته باشد؟



علی اصغر رحمان نژاد

خبرنگار

بیستم ژانویه سال ۲۰۲۱ مصادف با یکم بهمن ماه ۱۳۹۹، نخستین روز ورود جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا به کاخ سفید بود. با توجه به سابقه بایدن در جایگاه معاون باراک اوباما در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷ و در دولتی که به توافق هسته‌ای با ایران در قالب ساز و کار ۵+۱ دست یافت، برخی معتقدند در ماه‌های ابتدایی حضور او در کاخ سفید، بازگشت ایالات متحده آمریکا به توافق برجام چندان دور از انتظار نیست. از این رو متأسفانه عده‌ای از سیاستمداران ایرانی، بدون توجه به سوابق بدعهدی دولت اوباما در اجرای تعهدات برجامی خود، بار دیگر به دنبال القای این دیدگاه به جامعه هستند که تمام مشکلات کشورمان از جمله نابسامانی‌های اقتصادی، تنها با بازگشت طرف آمریکایی به توافق هسته‌ای قابل حل است. البته تجربه تاریخی به عیان نشان داده است، نه تنها آمریکا در دوران حضورش به عنوان عضوی از این توافق بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی و بانکی به تعهدات برجامی خود عمل نکرده است؛ بلکه گره زدن حل مشکلاتی چون آب خوردن مردم به برجام، بر رنج و مشقت تحمیلی بر مردم نیز افزوده است. بدون شک این تجربه تاریخی، به وضوح نشان داده است که سیاست دست روی دست گذاشتن و در انتظار نگه داشتن کشور برای ایجاد گشایش از سوی طرف خارجی، نتیجه مطلوبی به دنبال نخواهد داشت. از سوی دیگر جو بایدن در نخستین روزهای ریاست‌جمهوریش با بحران‌هایی، چون بدهی ۲۶ هزار میلیارد دلاری و ضربات سنگینی که اقتصاد آمریکا از تبعات ویروس کرونا متحمل شده، دست به گریبان خواهد بود. از این رو بعید است آمریکای مملو از بحران‌های اجتماعی و اقتصادی آن هم در شرایطی که جمعیت زیادی از مردم این کشور نیازمند کمک‌های فوری معیشتی هستند، بتواند کمکی در راستای بهبود وضعیت اقتصاد ایران داشته باشد. ضمن اینکه حتی در صورت بازگشت احتمالی آمریکا به این توافق نیز، سوابق بدعهدی دولت اوباما با معاونت جو بایدن در اجرای تعهدات برجامی آمریکا، به وضوح نشان داده است که ترجیح تصمیم‌سازان دموکرات کاخ سفید بر حضوری صرفاً تشریفاتی در این توافق‌نامه است. فراموش نکنیم صحبت‌های سیف، رئیس کل بانک مرکزی درباره برجام و اینکه محاصل برجام برای اقتصاد ایران تقریباً هیچ بوده است، در زمان دولت اوباما و حضور آمریکا در برجام اظهار شده بود. بررسی آمارهای سازمان برنامه و بودجه درباره مجموع میزان سرمایه‌گذاری خارجی و فاینانس‌های جذب شده کشور، نشان‌دهنده این موضوع است که این مقدار در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ (اوج اعمال تحریم‌های مرحله اول)، به ترتیب ۶ میلیارد و ۳۱۴ میلیون دلار و ۶ میلیارد و دوازده میلیون دلار بوده است. این در حالی است که بعد از توافق برجام و حضور آمریکا در برجام، بار دیگر به دنبال القای این دیدگاه به جامعه هستند که تمام مشکلات کشورمان از جمله نابسامانی‌های اقتصادی، تنها با بازگشت طرف آمریکایی به توافق هسته‌ای قابل حل است. البته تجربه تاریخی به عیان نشان داده است، نه تنها آمریکا در دوران حضورش به عنوان عضوی از این توافق بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی و بانکی به تعهدات برجامی خود عمل نکرده است؛ بلکه گره زدن حل مشکلاتی چون آب خوردن مردم به برجام، بر رنج و مشقت تحمیلی بر مردم نیز افزوده است. بدون شک این تجربه تاریخی، به وضوح نشان داده است که سیاست دست روی دست گذاشتن و در انتظار نگه داشتن کشور برای ایجاد گشایش از سوی طرف خارجی، نتیجه مطلوبی به دنبال نخواهد داشت. از سوی دیگر جو بایدن در نخستین روزهای ریاست‌جمهوریش با بحران‌هایی، چون بدهی ۲۶ هزار میلیارد دلاری و ضربات سنگینی که اقتصاد آمریکا از تبعات ویروس کرونا متحمل شده، دست به گریبان خواهد بود. از این رو بعید است آمریکای مملو از بحران‌های اجتماعی و اقتصادی آن هم در شرایطی که جمعیت زیادی از مردم این کشور نیازمند کمک‌های فوری معیشتی هستند، بتواند کمکی در راستای بهبود وضعیت اقتصاد ایران داشته باشد. ضمن اینکه حتی در صورت بازگشت احتمالی آمریکا به این توافق نیز، سوابق بدعهدی دولت اوباما با معاونت جو بایدن در اجرای تعهدات برجامی آمریکا، به وضوح نشان داده است که ترجیح تصمیم‌سازان دموکرات کاخ سفید بر حضوری صرفاً تشریفاتی در این توافق‌نامه است. فراموش نکنیم صحبت‌های سیف، رئیس کل بانک مرکزی درباره برجام و اینکه محاصل برجام برای اقتصاد ایران تقریباً هیچ بوده است، در زمان دولت اوباما و حضور آمریکا در برجام اظهار شده بود. بررسی آمارهای گمرک نشان می‌دهد، در سال‌های اجرای برجام، اگر چه حجم تجارت کالایی ایران با اتحادیه اروپا و آمریکا افزایش یافته است؛ اما کفه ترازوی تبادلات اقتصادی میان ایران و اتحادیه اروپا کاملاً به نفع صادرات طرف‌های غربی به کشورمان بوده است. برای نمونه، میزان صادرات اتحادیه اروپا به کشورمان در سال ۱۳۹۴ و پیش از اجرای برجام، ۶ میلیارد و ۲۲۹ میلیون دلار بود که این رقم پس از اجرای برجام با افزایش تصاعدی در سال ۱۳۹۶ به رقم ۱۱ میلیارد و ۶۶۴ میلیون دلار می‌رسد. در همین مدت و به طور مشخص درباره حجم صادرات آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپایی به کشورمان، این رقم با افزایش قابل توجهی مواجه بوده و از ۱ میلیارد و ۸۲۲ میلیون دلار به ۳ میلیارد و ۷۲ میلیون دلار رسیده است. فرانسه نیز طی دوران اجرای برجام موفق شد با استفاده از شرایط ایجاد شده، حجم صادرات خود به ایران در بازه زمانی مذکور از ۷۶۱ میلیون دلار به ۱ میلیارد و ۷۶۳ میلیون دلار برساند.

حالی است که بعد از توافق برجام و حضور آمریکا به عنوان عضوی از این توافق طی سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ این مقدار (سرمایه‌گذاری خارجی) نه تنها افزایش نداشته؛ بلکه هنوز به ارقام سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ نیز نرسیده است. برای نمونه، در سال ۱۳۹۵ مجموع میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فاینانس ۴ میلیارد و ۸۸ میلیون دلار بوده که در سال ۱۳۹۶ به ۵ میلیارد و ۱۹ میلیون دلار رسیده است. لذا این تصور که بازگشت بایدن به برجام، سبب ورود سرمایه‌های خارجی چند ده میلیارد دلاری به اقتصاد ایران خواهد شد، تصور باطلی است. اقتصاد ایران علاوه بر تحریم‌های جهانی با خودتحریمی و مشکلات داخلی مواجه است؛ چرا که وجود بسیاری از قوانین و دستورالعمل‌های متعدد و گاهی متناقض در کشور ما سبب نگرانی سرمایه‌گذاران خارجی از حضور در اقتصاد ایران می‌شود؛ موضوعی که به مراتب مخرب‌تر از تحریم‌های خارجی است. از سوی دیگر ثابت نبودن نرخ ارز در سال‌های اخیر و نگرانی‌های شدید اقتصادی، سرمایه‌گذاران داخلی را نیز با تردیدهای جدی مواجه کرده است.

جولان کالاهای اروپایی

بررسی آمارهای گمرک نشان می‌دهد، در سال‌های اجرای برجام، اگر چه حجم تجارت کالایی ایران با اتحادیه اروپا و آمریکا افزایش یافته است؛ اما کفه ترازوی تبادلات اقتصادی میان ایران و اتحادیه اروپا کاملاً به نفع صادرات طرف‌های غربی به کشورمان بوده است. برای نمونه، میزان صادرات اتحادیه اروپا به کشورمان در سال ۱۳۹۴ و پیش از اجرای برجام، ۶ میلیارد و ۲۲۹ میلیون دلار بود که این رقم پس از اجرای برجام با افزایش تصاعدی در سال ۱۳۹۶ به رقم ۱۱ میلیارد و ۶۶۴ میلیون دلار می‌رسد. در همین مدت و به طور مشخص درباره حجم صادرات آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپایی به کشورمان، این رقم با افزایش قابل توجهی مواجه بوده و از ۱ میلیارد و ۸۲۲ میلیون دلار به ۳ میلیارد و ۷۲ میلیون دلار رسیده است. فرانسه نیز طی دوران اجرای برجام موفق شد با استفاده از شرایط ایجاد شده، حجم صادرات خود به ایران در بازه زمانی مذکور از ۷۶۱ میلیون دلار به ۱ میلیارد و ۷۶۳ میلیون دلار برساند.

این در حالی است که در همین بازه زمانی، حجم صادرات ایران به ۲۸ عضو اتحادیه اروپا، نه تنها افزایش نداشته، بلکه از رقم ۱ میلیارد و ۵۹۰ میلیون دلار به ۱ میلیارد و ۵۲۷ میلیون دلار کاهش یافته است! این مطلب نشان‌دهنده آن است که برخلاف تصور برخی از دولت‌مردان، طرف‌های غربی بیش از آنکه دلسوز ایران و اشتغال‌جویان ایرانی باشند؛ به فکر فروش کالا‌های خود در بازار مصرفی ایران هستند و برجام به خوبی این فرصت را در اختیار شرکت‌های غربی به خصوص اروپایی‌ها قرار داد تا از موج واردات بی‌رویه ایجاد شده در ایران پس از برجام، بهره کافی ببرند. نکته جالب آنکه براساس آمارها، ۵۳ شرکت خارجی که بیشترشان فرانسوی و آلمانی بودند، پس از کسب سود سرشار از فروش محصولاتشان در ایران، به محض تصمیم ترامپ مبنی بر خروج آمریکا از برجام، عطای بازار ایران را به نقاشی بخشیده و کشورمان را ترک کردند. این مسئله نشان‌دهنده این نکته است که نگاه طرف‌های غربی به اقتصاد ایران به عنوان یک شریک بلندمدت اقتصادی و تجاری، بلکه صرفاً در جایگاه یک بازار مصرف برای کالا‌های آنهاست.

خام‌فروشی در پس‌برجام

صادرات نفت ایران در سال ۱۳۹۴ چیزی حدود ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز بود که این میزان در سال ۱۳۹۶ و هم‌زمان با اجرای برجام به ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. در ایام مذکور، ۶۰ درصد مشتری نفت ایران کشورهای آسیایی چون هند و چین بوده و ۴۰ درصد نیز از طریق مشتریان اروپایی خریداری می‌شد. این رشد دو برابری در صادرات نفت اگر چه موجب افزایش درآمدهای ارزی کشور شد و براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول موجب رشد اقتصادی ۱۲/۵ درصدی در سال ۲۰۱۶ برای اقتصاد ایران شد؛ اما متأسفانه به دلیل نبود سرمایه‌گذاری صحیح و گسیل شدن قسمت اعظمی از درآمدهای نفتی کشور به سمت واردات کالا و خدمات، مشکلات ساختاری اقتصاد ایران همچنان پابرجا مانده و بلافاصله پس از خروج ترامپ از برجام و به محض کاهش فروش نفت، بار دیگر اقتصاد ایران به روزهای نه

چندان دلچسب خود با رشد‌های منفی اقتصادی بازگشت. از این رو برخی از کارشناسان معتقد هستند رشد اقتصادی مثبت به تهای نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی کشوری، مانند ایران نیست. این رو افزایش درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت که احتمالاً با بازگشت بایدن به برجام بار دیگر رخ دهد، در نقش مسکنی کوتاه‌مدت عمل کرده و سبب خواهد شد مشکلات ساختاری اقتصاد ایران به فراموشی سپرده شود.

فضای کسب و کار، ربط به برجام ندارد

محمدرضا زهروندی، رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی تهران به صحیح صادق می‌گوید: بدون شک، حضور بایدن در کاخ سفید و بازگشت احتمالی آمریکا به برجام، هر چند ممکن است نکات مثبتی به لحاظ افزایش صادرات نفت و درآمدهای ارزی برای ما داشته باشد؛ اما قطعاً چاره مشکلات ساختاری اقتصاد و تولید ایران نیست. اینکه در ایران، انبوهی از دستورالعمل‌های متناقض و استعلام‌های تکراری و بی‌مورد وجود دارد که راه را برای راه‌اندازی هر کسب و کار جدیدی به شدت ناهموار کرده، هیچ ربطی به تحریم‌ها ندارد. واقعیت آن است که ما بیش از تحریم، از خودتحریمی در رنجیم. ما با این خودتحریمی‌ها جلوی ایجاد اشتغال در کشورمان ایستاده‌ایم. اینکه شهرداری، محیط زیست، صمت و بسیاری از سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌های مسئول در زمینه مجوز بنگاه‌ها و تولید، هنوز با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، یک پنجره واحد ایجاد نکرده و با عملکرد جزیره‌ای خود، سبب سردرگمی تولیدکننده هستند؛ یک مشکل کاملاً داخلی ماست. وی ادامه داد: رتبه‌های مربوط به فضای کسب و کار اقتصاد ایران در سطح جهانی، ابتدا شایسته ایران نیست. بر اساس آمار اعلامی بانک جهانی در سال ۲۰۲۰ کشور ما در زمینه شاخص سهولت انجام کسب و کار، دارای رتبه ۱۲۷ جهان است. این مسئله در شأن ایران نیست و نشان‌دهنده قوانین و دستورالعمل‌های غلطی است که تولید کشور را به رنج و عذاب دچار کرده است. قطعاً آمریکا و تحریم‌های ظالمانه‌اش دلیل جایگاه نامطلوب ما در زمینه فضای کسب و کار نیست.

شاخص

معادن ممنوعه!

به گزارش راشاتودی، «فاروق احمد» دبیر انجمن بیت‌کوین پاکستان طی سخنانی به موضوع تخصیص بودجه از سوی دولت اسلام‌آباد برای استخراج بیت‌کوین پرداخت. وی گفت: از یک سو استفاده از بیت‌کوین در پاکستان افزایش چشمگیری داشته و از سوی دیگر بسیاری از قشر جوان در این کشور در حال فعالیت در حوزه فناوری بوده و خدمات مرتبط با استخراج بیت‌کوین را ارائه می‌دهند. دبیر انجمن بیت‌کوین پاکستان تأکید کرد: در راستای همین اقدام بسیاری از مزارع استخراج بیت‌کوین تعطیل شده، اما روند این فعالیت‌ها در پاکستان متوقف نشده است.



منهای نفت

رشد پایدار

زمانی که اقتصاد کشور با بحران‌های متعددی روبه‌رو است و تولید ناخالص داخلی واقعی به صورت سازگار و مداوم رشد خوبی را تجربه نمی‌کند، یک اقتصاد نیز به اندازه لازم بزرگ نخواهد بود و به همین دلیل سهم دولت از این یک نیز کوچک‌تر می‌شود. این در حالی است که مخارج دولت به دلیل رشد جمعیت و نیز عقب‌ماندگی‌های قبلی، تورم و افزایش نیازهای دولت در راستای ارائه خدمات عمومی همچنان در حال افزایش است. سهم دولت از اقتصاد که عمدتاً از مالیات تأمین می‌شود، زمانی افزایش می‌یابد که اقتصاد در وضعیت ثبات بتواند رشد‌های اقتصادی بالایی را تجربه کند.



افزوده

کشش در اقتصاد

بحث کشش تغییر رفتار متقاضی نسبت به قیمت یک محصول یا خدمت است. زمانی که یک کالا یا خدمت در شکل‌های مختلف خیلی نمی‌تواند نسبت به کیفیت یکدیگر متفاوت باشند (مانند آب معدنی) دارای کشش بالا هستند. چنانچه یکی از کارخانه‌های تولید آب معدنی قیمت محصول خود را افزایش دهد، مصرف‌کننده به دلیل اینکه تفاوتی بین آب معدنی‌ها وجود ندارد، به سراغ محصول دیگری می‌رود. از سوی دیگر اگر کالا یا خدماتی دارای کشش کم باشد با تغییر قیمت به دلیل نبود محصول مشابه مصرف‌کننده باز هم آن کالا را خریداری و مصرف خواهد کرد.



سیره عملی حضرت زهرا (س)

گفتاری از حجت الاسلام سیدعلی اکبر حسینی



حضرت زهرا (س) در کنار معادباوری، قرآن‌باوری و خدا باوری، سه رکن اساسی اندیشه مبانی توحیدی را در یک کلام ساده بیان کرده و می‌فرماید: «حُبِّ آلِيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ وَالنَّظَرُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ وَالْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ از دنیای شما محبت سه چیز در دل من نهاده شد، تلاوت قرآن، نگاه به چهره پیامبر خدا و انفاق در راه خدا. در این روایت سه نکته مورد توجه بهترین بانوی عالم است که چه خوب است ما هم به آنها در زندگی خود استناد و عمل داشته باشیم.

یکی از مواردی که ما مسلمانان به آن کمتر توجه می‌کنیم، تلاوت و توجه به قرآن کریم است؛ شاید در ظاهر، جلد و رنگ بهترین نوع این کتاب را تهیه کنیم، اما در مقام تلاوت یا عمل توجهی به آن نداریم؛ این در حالی

است که خداوند حکیم در این مورد می‌فرماید: «یعنی ای مردم، از سوزی پروردگارتان موعظه و اندرزی برای شما آمد، کلامی و قرآنی که مایه شفای بیماری دل‌ها و روان‌هاست و چیزی که مایه هدایت و راهنمایی است و رحمت برای مؤمنان است. ای پیامبر به مردم بگو به فضل پروردگار و به رحمت بی‌پایان او و این کتاب بزرگ آسمانی که جامع همه نعمت‌هاست، خشوند بشوند نه به ثروت‌اندوزی و پست و مقام دنیا و فزونی قوم و قبیله.» (یونس/۵۷ و ۵۸)

پس چه چیزی می‌تواند زیباتر از این باشد که بنده با خالق خود که بهترین مونس است، صحبت کند، درد و دل داشته باشد، آن هم با تلاوت قرآن کریم. امتیاز دیگری که با تلاوت قرآن کریم می‌توانیم برای خود به ارمغان بیاوریم، نور و برکت است.

چنانچه در روایت داریم که می‌فرماید: «خانه‌های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید؛ خانه‌های که زیاد در آن قرآن تلاوت شود خیر و برکتش فزونی یابد، به اهلیش فراخی رسد و نورش به اهل آسمان روشنایی دهد؛ بدان سان که ستاره‌های آسمان به اهل زمین، روشنایی دهند.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۰)

برای تلاوت قرآن فضایل، آثار و فواید دنیایی و آخرتی فراوانی بیان شده است که از جمله آن می‌توانیم به باروری ایمان، صفای دل، تخفیف گناهان، عبادت برتر، برخورداری از ثواب فرشتگان و پیامبران، هم‌نشینی با فرشتگان، پیمودن درجات کمال و ترقی در بهشت، درمان بیماری‌های روحی، رفع غم و اندوه، روشنایی دیدگان، مونس تنهایی، عمر با برکت، استجاب دعا و رفع عذاب از پدر و مادر اشاره کنیم.

رشد و پیشرفت مخصوص جهادگران است

محمدرضا قضایی

کارشناس علوم اسلامی

یکی از اصول عقلانی که مورد قبول همه انسان‌ها در همه اعصار و ادوار تاریخی است، رسیدن به نتیجه پس از تلاش است. تا جایی که که شعر سعدی (نابره رنج گنج میسر نمی‌شود) به یک ضرب‌المثل و قاعده عقلی تبدیل شد و هر وقت بزرگان می‌خواستند کسی را با یک عبارت کوچک به تلاش وادار کنند، این مصرع را می‌خوانند. جامعه مردمی که می‌خواهند به پیشرفت و توسعه برسند، باید در جهت صحیح تلاش کنند و از سختی‌های پیش رو هراس نداشته باشند. خداوند در قرآن

بارها بر جهاد تأکید فرموده و پیروزی را پادشاه جهادگران دانسته است. در طول تاریخ کسانی که از تلاش و جهاد و ایثار فراری بودند، گرفتار سختی‌های متعدد شده و به عقوبتی سخت دچار شدند. آیه‌ای در قرآن کریم آمده است که از رفتار زشت قوم بنی‌اسرائیل می‌گوید: «[موسی گفت] ای قوم من! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما معین کرده، وارد شوید و به پشت سر خود بازنگردید [و عقب‌نشینی نکنید] که زیان‌کار خواهید بود... (مانده ۲۱) بنی‌اسرائیل گفتند: «ای موسی! تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد؛ تو و پروردگارت بروید و [با آنان] بجنگید، ما همین‌جا نشستیم.» (همان ۲۴) بنی‌اسرائیل به خاطر این رفتار عقوبت شدند. امام صادق (ع) در مورد این آیه فرمودند: «مردم مصر و قوم موسی (ع) گفتند: تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما همین‌جا نشستیم؛ پس خداوند چهل سال آن را بر آنها حرام کرد و آنها را در بیابان سرگردان کرد. در هنگام

اول شب شروع به کوچ کردن می‌کردند و فریاد می‌زدند که آماده کوچ کردن شوید، بشتابید بشتابید و همیشه این‌گونه بودند تا اینکه خورشید غروب می‌کرد و در حالی که حرکت کرده بودند، زمین بر آنها راست و مستقیم می‌شد. خداوند به زمین دستور می‌داد که آنها را بچرخان و همچنان در راه بودند تا اینکه سحر می‌شد و صبح می‌کردند می‌گفتند: این آبی است که بر آن وارد شدید، پس پیاده شوید، وقتی که هوا روشن می‌شد می‌دیدند که خانه‌هایشان همان خانه‌هایی است که دیروز در آنها بودند و به همدیگر می‌گفتند که: ای قوم گمراه شده‌اید، راه را اشتباه آمده‌اید و همچنان آنگونه بودند تا اینکه خداوند به آنها اجازه داد و وارد آن شهر شدند و آن را بر آنها واجب کرده بود.» (بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۸۱) بنی‌اسرائیل به دلیل رفاقت طلبی و دوری از جهاد و همچنین تمسخر وعده‌های الهی دچار این عقوبت شدند. هنگامی که خداوند وعده کمک و یاری قومی را می‌دهد، نباید این وعده دست‌انداختن و تمسخر و حتی تبلی شود.

خداوند همیشه وعده یاری جهادگران و اهل تلاش و کوشش را داده؛ نه آنان که با سستی و تبلی می‌خواهند به نتیجه مطلوب برسند. همچنین آیه‌ای دیگر در قرآن هست که به ما می‌گوید جهاد کنید تا دارای فضل و شرافت شوید. خداوند در آیه ۹۶ سوره نساء می‌فرماید: «[هرگز] افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد خودداری می‌کنند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند. خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر کسانی که از جهاد خودداری کرده‌اند مقام برتری بخشیده...»

جدال احسن اثبات حق و تقویت جبهه حق است

سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



دین اسلام دین دلیل و برهان است. خداوند تمام دستورات خود را با دلیل و برهان ابلاغ کرد و از انسان‌ها خواست هر چیزی را با دلیل و برهان اقامه کند و قبول کند؛ یعنی چه

هنگامی که می‌خواهیم مطلبی را برای کسی اثبات کنیم باید از برهان استفاده کنیم و چه آن وقتی که کسی می‌خواهد این‌کار را در مورد ما انجام دهد، باید آن را با دلیل و برهان قبول کنیم. اسلام و قرآن برای تبلیغ دین یا اثبات یک موضوع علمی و... ابزارهایی در اختیار ما قرار داده است که باید از آنها استفاده کنیم. اول «حکمت» است، دوم «موعظه حسنه» است و سوم «جدال احسن». (نحل/۱۲۵) حکمت، دست یافتن به حق از راه علم و عقل. موعظه، تذکر دادن به کار خیر در اموری که قلب در آنها رقت می‌یابد و جدال، برابری کردن با دیگران بر اساس برتری حویلی و غلبه است. از تأمل در این معانی چنین برمی‌آید که حکمت، حجتی است که بدون تردید، سستی و ابهام انسان را به حق نایل می‌کند و موعظه بیانی است که دل را نرم می‌سازد و جدال حجتی است که با تکیه بر

مسلمات برای سست کردن مبانی خصم به کار می‌رود، بنابراین حکمت و موعظه و جدل مطرح در آیه به ترتیب بر برهان، خطابه و جدل مصطلح در منطق منطبق می‌شود، جز آنکه خداوند موعظه را به «حسنة» و جدال را به «احسن» مقید کرده است. (طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۳۷۲) پس وقتی می‌خواهیم برای فردی استدلالی بیاوریم یا گره‌ای از ذهن او باز کنیم، باید با سه روش یاد شده عمل کنیم. بنابراین هر روشی غیر از این سه روش اثرپذیر نیست؛ زیرا خداوند هم خود با این روش عمل کرده است، هم پیامبران خود را به این روش امر فرموده است و هم از انسان‌ها می‌خواهد در مقابل استدلال‌ها با این روش متواضع باشند. در حوزه‌های علوم دینی هم اصطلاحی وجود دارد که می‌گوید: «انسان باید عبداللّیل باشد»؛ به همین دلیل برای یک قاعده علمی مدت‌ها زمان صرف می‌کنند و تمام جنبه‌های استدلالی آن را بررسی می‌کنند تا شبهه‌ای باقی نماند.

شاید جدل در ذهن ما مذموم و منهی باشد، ولی تمام اقسام جدل این‌طور نیستند. از آنجا که انسان‌ها در برهان عقلی و شفاف بحث می‌کنند و در جدل تحمیلی و اقعایی این ذهنیت برای ما ایجاد شده است. اما جدل همیشه وجهه منفی ندارد و می‌تواند مثبت هم باشد. برای نمونه در مباحث سیاسی روز اصلاً نمی‌توان برهانی بحث

کرد؛ زیرا از قواعد علمی بی‌بهره است. پس ناچاریم جدلی بحث کنیم، اما نه جدل به‌معنای منکوب کردن و نابود کردن طرف مقابل. آنان که وظیفه بصیرت‌افزایی دارند، باید از موعظه حسنه و جدال احسن استفاده کنند تا نتیجه بگیرند.

در این خصوص از امام صادق (ع) سؤال شد آیا جدل کردن بد است و در اسلام نهی شده است؟ ایشان فرمودند اگر بد بود، خداوند در آیه ۱۲۵ سوره نحل به آن اشاره نمی‌فرمود. سپس فرمودند: «[آن جدل مردود جدلی است که] تو با یک شخص یاهوگو وارد مباحثه شوی و او تو را وادارد که به دروغ و باطل متوسل شوی و به جای اینکه به او با برهان‌هایی که خدا معین کرده پاسخ دهی یا کلام او را انکار می‌کنی یا حقی را که آن دروغگو می‌خواهد تا با آن باطل خود را ثابت کند، از ترس اینکه مبادا دروغگو از آن حق علیه تو استفاده کند انکار می‌کنی؛ زیرا نمی‌دانی [در صورت گفتن آن حق] چگونه می‌توانی از آن رهایی یابی. بر شیعه ما حرام است که برای برادران خود که [از نظر فهم برهان‌ها] ضعیف هستند و علیه یاهوگویان، مایه پیچیدگی و سردرگمی باشند. [این کار باعث شود که] یاهوگویان، ضعف شما و ضعف برهان شما را دلیل بر باطل بودن عقیده شما و حجتی بر باطل خود قرار می‌دهند و ضعیفان هنگامی که ضعف شما که بر حق هستید را در برابر یاهوگو

می‌بینند، قلب‌شان اندوهناک می‌شود. اما جدل از بهترین راه؛ همان است که خداوند به پیامبرش امر کرده است که با آن برهان، با منکران معاد و رستخیز مجادله کند، لذا خداوند باری تعالی داستان آن منکر معاد را نقل کرده (یس/۷۸-۸۰)» (الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۱)

گاهی اوقات در جدل‌های منفی حقی را انکار می‌کنیم تا از فرد مقابل مان شکست نخوریم. برای نمونه می‌گوییم: «من خودم به این موضوع یا این فرد انتقاد دارم پس او را قبول ندارم!» تا فرد مقابل احساس نکند من تعصب دارم. در جدل مذموم فقط می‌خواهیم فرد مقابل را شکست بدهیم به عواقب آن فکر نمی‌کنیم. گاهی حواشی و شبهات مجادله و مناظره اثر بدتری از خود موضوع بحث در جامعه دارد.

برخی افراد به خاطر اینکه با واکنش منفی طرفداران و مخاطبان مواجه نشوند حق را انکار کرده یا در مورد آن سکوت می‌کنند. این انکار و سکوت، هم خیانت به حق است و هم اثرات منفی در جامعه می‌گذارد. جبهه حق خود را تنها می‌بیند و احساس می‌کند در اقلیت قرار دارد؛ اما اگر از اخبار و اطلاعات روز، نقاط ضعف و اشتباهات موجود را بگوید و به یک جمع بندی برسیم و حق را عرضه کنیم و باعث تقویت آن بشویم «جدالی احسن» داشته‌ایم.

پذیرش مسئولیت

حجت الاسلام والمسلمین نجف لکزایی: تعبیر سیدمرتضی در رساله فی‌العمل مع‌السلطان، پذیرش مناصب حکومتی از سوی حکومت حق و عادل جایز است و حتی اگر حاکم عادل تکلیف کند، واجب هم می‌شود. از نگاه ایشان، کارگزار مسلمان زمانی می‌تواند در حکومت جور مسئولیت بپذیرد که بتواند با پذیرش منصب چهار کار انجام دهد: حق را بر پا دارد، باطل را دفع کند، امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد. اگر او ببیند این منصبی را که حاکم جور پیشنهاد کرده، اگر نپذیرد، آن چهار کار بر زمین می‌ماند، واجب است که بپذیرد.



سخن هستند

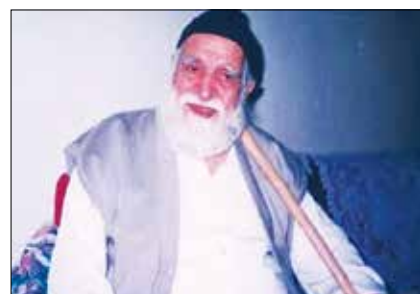
پرسش: اگر مطلبی را در سخنرانی بیان کنیم و بعد مشخص شود از اساس کذب بوده است، از نظر شرعی گوینده مطلب برای جبران باید چه کند؟
پاسخ: تا صحبت مطالب محرز نشده باشد، نباید آن را بیان کند و چنانچه مطلبی بیان و خلافتش ثابت شد، به هر نحو ممکن باید اصلاح کند.

برگرفته از کتاب احکام هدایت سیاسی براساس فتاوی رهبر معظم انقلاب



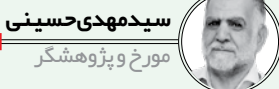
خلوت با خدا

حاج سیداحمد کر بلائی: (سالک باید) ساعتی را با خدای تعالی خلوت نموده و مناجات و تضرع کند و صورت به خاک بگذارد. سزاوار است این خلوت در هر شب میان مغرب و عشا باشد، پس سجده معهود را به جا آورد (ظاهراً مقصود سجده طولانی است با ذکر یونسیه) و پس از سجده هر مقدار که توفیق یارش بود، با کمال حضور قلب و اقبال به خدا با همه وجودش و اعراض از همه آنچه غیر از خداست مشغول به ذکر گردد، سر به گریبان تفکر فرو برده، فکر کند که من کی ام و کجا می‌روم؟ آمده‌ام و به کجا می‌روم؟



تقویم انقلاب

استقبال یک ملت



سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، جایگاه ممتازی در تاریخ این سرزمین دارد؛ روز استقبال بی نظیر از امام خمینی (ره) هنگام ورود به کشور پس از سال‌ها تبعید. همین که خبر ورود امام به تهران منتشر شد، آنچنان هیجانی به جامعه وارد کرد که به هیچ وجه قابل توصیف نیست. بلافاصله مجموعه‌ای به نام کمیته استقبال از امام (ره) شکل گرفت که شخصیت‌هایی چون آیت‌الله مطهری، محلاتی، مفتاح و سایرین محوریت آن را بر عهده گرفتند. این جمع سازمان و ساختاری را در هفت شاخه شکل دادند تا بتوانند کار را انجام دهند. این هفت شاخه عبارت بودند از: تبلیغات، انتظامات، برنامه‌ریزی، تشریفات، اوضاع داخلی، شهرستان‌ها، خبرنگاران داخلی و خارجی، که برای هر یک مسئولیتی تعیین شد و فعالیت خود را آغاز کردند. در رأس مدیریت کلان کار آیت‌الله شهید مرتضی مطهری قرار داشت که مأموریتی خطیری و کاری بسیاری سنگین و حجیم بر عهده ایشان بود. برای نمونه، گروه انتظامات، یک گروه ۷۵ هزار نفری را در برمی گرفت. مدرسه رفاه به عنوان مقر اصلی کمیته استقبال انتخاب شده بود.

کمیته استقبال انتظار مواجهه با جمعیت میلیونی را می‌کشید و قصد داشت در اولین گام تعداد افرادی را که در فرودگاه مهرآباد به استقبال امام می‌آیند، کنترل کند؛ از این رو کارت‌هایی صادر و به افراد خاصی داده شد، اما عملاً همه چیز بیرون از اراده کمیته بود و در روز ۱۲ بهمن بیش از ۱۰ برابر آنچه پیش‌بینی شده بود، جمعیت در فرودگاه حاضر بود!

سرانجام انتظار به پایان رسید و هوایمای حامل امام (ره) از دور نمایان شد و ساعت ۹/۳۰ صبح در آسمان مهرآباد بود و دقیقی بعد روی بانند فرودگاه آرام گرفت. حضرت امام (ره) داخل هواپیمای بودند که تعدادی از بزرگان از جمله مرحوم آیت‌الله پسنندیده برادر بزرگتر امام، شهید مطهری و آیت‌الله طالقانی برای استقبال به داخل رفتند و همراه ایشان پایین آمدند!

با ورود حضرت امام (ره) به سالن فرودگاه صدای تکبیر فضا را پر کرده بود. با استقرار امام در جایگاه سرود زیبایی خوانده شد و چنان فضایی ایجاد شده بود که چشم‌انداز همه حضار از شوق به گریه آمده بود؛ به ویژه وقتی ندای «خمینی ای امام» سراسر فضای سالن را پر کرده بود! امام طی سخنانی در آن جمع فرمودند: «عواطف ملت ایران به دوش من بار گرانی است که نمی‌توانم جبران کنم.» پس از سخنرانی، امام آماده حرکت به سمت بهشت زهرا بودند. در طول مسیر خودرو حامل ایشان با هجوم استقبال‌کنندگان همراه شد که شرح ماجرا از زبان راننده امام (محسن رفیق‌دوست) شنیدنی است:

«در طول مسیر راه هیچ جا جمعیت کم نمی‌شد. من تخمین می‌زدم که بین ۶ تا ۸ میلیون نفر در این مسیر ۳۴ کیلومتر از امام استقبال کردند. وقتی به درب ورودی بهشت‌زهرا رسیدیم، دیگر در آنجا مردم گاهی خودشان ماشین را حرکت می‌دادند و گاهی فرمان از دستم خارج می‌شد. لحظه به لحظه تراکم جمعیت بیشتر می‌شد. به طوری که گفته شد موتور ماشین می‌سوزد و ملت با یا علی ماشین را از جاری دست بلند می‌کردند.»

انقلاب بدون خشونت

نگاهی به رویکرد مردمی و انسانی انقلاب اسلامی ایران



گروه‌های سیاسی نیز اتفاق نظر در مورد برخورد با آنان وجود داشت. همایون کاتوزیان، با صراحت می‌نویسد:

«یکی از نکاتی که همه انقلابیان و هواداران‌شان، به جز لیبرال‌ها، در آغاز در مورد آن اتفاق نظر داشتند کوششی منظم برای مجازات و ایستگاه رژیم گذشته و تا حد امکان، انحلال دستگاه نظامی و اداری حکومت بود. کمتر کسی مخالف آن بود که آتش خشم انقلاب، مسئولان رژیم گذشته و کسانی را که از روابط تجاری با مایلی با آن حکومت بهره برده بودند، هدف بگیرد.»

از سویی دیگر احزاب و گروه‌های سیاسی با ایدئولوژی‌های مختلف نیز نمی‌توانستند این حقیقت را منکر شوند که نظام سیاسی جدید همچنان از جانب افرادی رژیم گذشته تهدید می‌شود و برای استقرار کامل نیازمند برخورد با عوامل اصلی رژیم ستمشاهی است که در جنایات و کشتار ملت نقش داشته‌اند.

اما انقلاب اسلامی از جمله انقلاب‌هایی بود که سران آن و به ویژه حضرت امام خمینی (ره) اجازه ندادند که غلبه شور و شوق و احساسات انقلابی و نفرت و کینه ملت از جلادان و خاندان دوران پهلوی، عرصه انقلاب را به صحنه قتل عام عناصر وابسته به رژیم سابق بدل کند. تشکیل دادگاه‌های انقلاب برای رسیدگی قانونی به جرایم آنهایی که دست‌شان به خون مظلومان و بی‌گناهان آلوده بسود، از جمله اقدامات برجسته‌ای بود که هر چند با انتقادات و اعتراضاتی همراه بود، اما همین دستگاه موجب شد تا به شدت از اقدامات خودسرانه کاسته شود و برخورد با مجرمان در مسیری قانونی البته متناسب با شرایط انقلابی آن دوران قرار گیرد! هر چند جریان‌های ضدانقلاب از همان ابتدا

تعدادی از عوامل و اعضای ساواک در تهران و سایر شهرها در واپسین روزهای حکومت پهلوی در درگیری با انقلابیون به قتل رسیده یا دستگیر و راهی زندان شدند. انقلابیون و رهبران جمهوری اسلامی ایران خواهان شناسایی، دستگیری و پاکسازی عناصر وابسته به ساواک از ارکان حاکمیت و دولت بودند و از خطراتی که ساواکیان می‌توانستند با هماهنگی سایر

گروه‌های ضدانقلاب برای نظام اسلامی به وجود بیاورند، آگاه بودند؛ اما در این میان احزاب و گروه‌هایی نظیر سازمان مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی خلق، کمونیست‌ها و عناصری از وابستگان به حزب توده، خود را به افشای نام و مشخصات اعضا و عناصر محرمانه و سرّی ساواک مشتاق‌تر نشان می‌دادند. برخی چنین تحلیل می‌کردند که تلاش گروه‌های چپ و کمونیستی برای افشای سریع نام اعضا و همکاران ساواک طرحی از پیش تعیین شده از سوی کا.گ.ب. و سفارت شوروی در تهران برای دستیابی سریع و آسان به مراکز، منابع اطلاعاتی و اقدامات ساواک در سالیان گذشته بر ضد شوروی و کا.گ.ب. در ایران و سایر مناطق جهان است. گفته می‌شد کا.گ.ب. و محافل وابسته به شوروی قصد داشتند با شناسایی سریع ارتباطات و اقدامات و طرح‌های ساواک، بر مجموعه منابع اطلاعاتی، امنیتی و ضدجاسوسی در ایران اطلاع یابند. در این میان در دی ۱۳۵۸ گروهی موسوم به اتحادیه کمونیست‌های ایران کتابی حاوی فهرست نام و مشخصات حدود ۸۰۰۰ نفر را منتشر کرد که آنها را به عضویت در ساواک یا همکاری با آن منتسب کرده بود.

نکته‌ای دیگر که ضرورت برخورد قاطع با باقی‌مانده‌های رژیم پهلوی را به مطالب‌های عمومی تبدیل می‌کرد، نگرانی‌ها از اقدامات براندازانه‌ای بود که امکان تحقق آن از جانب عناصر و افرادی رژیم پهلوی وجود داشت. برخی تحركات مشکوک در این زمینه نیز شهادتی بر ضرورت جدی گرفتن نگرانی‌ها بود و تجربیاتی که در دیگر انقلاب‌ها می‌توانست هشداردهنده انقلابیون باشد. همین دغدغه موجب شد تا برخورد قاطع با افرادی رژیم پهلوی بیش از پیش ضرورت یابد. این دغدغه اقتدر با اهمیت بود که حتی حزب توده به اهمیت آن چنین اشاره می‌کند: «تجربه همه انقلاب‌ها یک حقیقت مسلم را ثابت می‌کند و آن اینکه رژیم سرنگون شده پس از سرنگونی هنوز مدت‌ها برای بازگشت تلاش می‌ورزد. رژیم سرنگون شده هنوز مدت‌ها پس از سرنگونی نیروی آن را دارد که در برابر انقلاب مقاومت کند. لذا انقلاب با سرنگونی رژیم حاکم پایان نمی‌پذیرد، بلکه آغاز می‌شود. انقلاب پیروز باید رژیم سرنگون شده را به‌طور کامل سرکوب کرده و ریشه‌های آن را برکند. انقلاب پیروزمند باید چنان جو انقلابی ایجاد کند که ضدانقلاب جرئت اظهار وجود نداشته باشد.»

حافظه

لحظه‌شماری برای فرار!

سردرگمی شاه پهلوی در ماه‌های پایانی

شاه نظرم را درباره این موضوع پرسید... گفتم: «من شما را در وضعیتی می‌بینم که آمریکایی‌ها به آن «NO WIN» وضعیتی که در آن امید پیروزی وجود ندارد می‌گویند. همچنین گفتم هر روز که شما بیشتر در کشور بمانید، بختیار مثل برفی که در آب افتاده باشد در حالی ذوب شدن و تحلیل است. اما اگر هم کشور را ترک کنید، احتمال اینکه بتوانید برگردید کم است. چرا که من امید می‌بینم که بختیار بتواند اوضاع را کنترل کند و نظم را به کشور بازگرداند ندارم.»

اما در مورد راه‌حل‌های دیگر، شاه نظرم را در مورد اقدام نظامی می‌دانست. من معتقد بودم که اقدام نظامی مشکل را حل نمی‌کند. به علاوه اعتصاب‌های پی‌در پی رژیم را به زانو در آورده بود. من از شاه پرسیدم که «آیا نظامیان می‌توانند به خانه‌های مردم رفته و آنها را مجبور کنند به کار خود برگردند؟» به شاه گفتم:

«فکر رفتن به بندرعباس هم به نظر من از همان اول بی‌اساس بوده است. زیرا نیروهایی که می‌توانند شاه را تا بندرعباس عقب برانند حتماً می‌توانند با افزایش فشار او را از کشور خارج کنند.»

شاه با یک حالت غیر عادی به ساعتش نگاه کرد و گفت: «اگر دست من بود تا ۱۰ دقیقه دیگر ایران را ترک می‌کردم.»

زمستان ۱۳۵۷ که فرا رسید، دیگر شاه هیچ امیدی به حفظ سلطنت نداشت. همه راهکارهای او برای نجات تخت و تاجش به شکست انجامیده بود و حامیان خارجی او نیز در برابر موج قیام ملت ایران مستأصل شده بودند! نزدیک‌ترین مشاور محمدرضا نیز حرفی برای گفتن و کلامی برای ایجاد طمأنینه برای او نداشتند!

شاه مستبد به شدت پریشان و مضطرب شده بود و میان ماندن و رفتن سردرگم مانده بود. آنتونی پارسونز، سفیر انگلستان در ایران که از دوستان صمیمی و مشاوران نزدیک شاه پهلوی به حساب می‌آمد، در مورد آخرین دیدار خود با محمدرضا در کتاب «غرور و سقوط» که مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر کرده، چنین می‌گوید:

«روز هشتم ژانویه ۱۹۷۹ برای خداحافظی نزد شاه رفتم. او را آرام و بی‌اعتنا به امور یافتم. چنان‌که از حوادث سخن می‌گفت که گویا دیگر به او مربوط نمی‌شود... شاه می‌گفت: «سه پیشنهاد مختلف به من شده است: بعضی‌ها می‌گویند که من باید بمانم و با قدرت عمل کنم. عده‌ای دیگر می‌گویند باید به بندرعباس بروم و اجازه دهم ارتش در غیاب من همانطور که می‌داند عمل کند و عده دیگری نیز می‌گویند من باید کشور را ترک نمایم.»



دهلیز

ناقوس مرگ پهلوی

آشفته‌گی دیکتاتوری محمد رضا در آخرین ماه‌های

نیرو و توان نظام را بر باد داد. در این میان ارتش نیز که عموماً فرماندهانش عمری عادت کرده بودند مستقیماً از شاه دستور بگیرند و اساساً تربیت آنها بر همین اساس صورت گرفته بود، سردرگم ماند. صورت جلسه فرماندهان ارتش که در کتاب «مثل برف آب خواهیم شد» مندرج است، نشان کامل سردرگمی امیران ارتش ایران را که برای روزهایی چنین سخت تربیت نشده و عموماً فاقد ذهنیت سیاسی و اجتماعی بودند، به دست می‌دهد. معنی سردرگمی ارتش هم چیزی جز این نبود که این تنها تکیه‌گاه بختیار نیز برای او تکیه‌گاهی مؤثر نیست. پس از اینکه شاه و شهبانودر روزی غم‌انگیز و با چشمانی اشکبار فرودگاه مهرآباد را ترک کردند و بختیار نخست‌وزیر مملکت بدون شاه شد همه چیز گواهی می‌داد که شمارش معکوس برای سقوط نظام شاهنشاهی شروع شده است. چرا که بختیار در برابر هیبت آیت‌الله خمینی بسیار کوچک و کوچک می‌نمود. وجود ارتش تنها کورسوی نجات بود. اما ارتش در بامداد ۲۲ بهمن اعلام بی‌طرفی کرد و نخست‌وزیری کوتاه‌مدت بختیار که از قبل سرنوشت محتوم آن تعیین شده بود، در موج آشفته‌گی‌ها و برخوردهای خونین به پایان رسید. با پایان عمر دولت ۳۷ روزه شاهپور بختیار، عمر نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و عمر سلطنت پنجاه و چند ساله دودمان پهلوی نیز به آخر آمد.»



پس از ناکامی رژیم در سرکوب مردم در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ و تداوم اعتراضات انقلابی، دیگر رژیم پهلوی نتوانست خود را از سرآشوبی سقوط نجات دهد. اینجا بود که ناقوس مرگ رژیم پهلوی به صدا در آمده بود و آنهایی که گوش شنوایی داشتند، صدای آن را چند ماه زودتر از فرارسیدن بهمن ۱۳۵۷ شنیده بودند. احمدعلی مسعودانصاری از رجال مرتبط با دربار در کتاب «پس از سقوط» که مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی منتشر کرده، می‌نویسد: «شکست دولت نظامی از هزاری و پس از آن زمینه‌چینی برای نخست‌وزیری بختیار که در دربار صورت می‌گرفت، مرا که از نزدیک شاهد امر بودم به فکر انداخت که روز سقوط نزدیک است. این احساسی بود که در آن روزها در همه دربار و در میان تمام اعضای خانواده سلطنتی مشترک بود. تظاهرات و اعتصاب‌ها کشور را فلج کرده بود. بحران هر لحظه اوجی تازه می‌گرفت. از طرفی من می‌دانستم که نقشه نخست‌وزیری بختیار نقشه بیهوده‌ای است و راستش را بخواهید بختیار را مرد میدان عمل و کسی که بتواند با حریفی مثل آیت‌الله خمینی دست و پنجه نرم کند، نمی‌دلم. نخست‌وزیری بختیار پایان نظام شاهنشاهی بود. بختیار پایگاهی در بین مردم به‌خوش آمده نداشت و کارهای او از قبیل انحلال ساواک، ته‌مانده



قدرت اول منطقه

مروری گذرا بر آثار و دستاوردهای انقلابی که جهان را متحول کرد

در واقع پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد، بر نامه الگوی دین برای زندگی نه تنها به پایان راه خود نرسیده است، بلکه اسلام می‌تواند به عنوان یک نظام سیاسی در جهان قد علم کند و برای حکومت مبتنی بر احکام الهی برنامه عملی دقیقی نیز ارائه دهد.

۲ **الگو بودن انقلاب اسلامی برای مسلمانان:** تبلیغ گسترده غرب سبب شده بود که مسلمانان خود را ضعیف قلمداد کنند. در واقع هویت اسلام در بین کشورهای اسلامی ارزش خود را از دست داده بود. با پیروزی انقلاب اسلامی، نور امید در جهان اسلام زنده شد. به نوشته هفته‌نامه آلمانی اشپیگل، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) حیات تازه‌ای به مسلمانان در سراسر جهان بخشید و اسلام مبارزترین مذهب دنیا با انرژی انقلاب خود ۲/۱ میلیارد مسلمان را برانگیخت و آنان را برای تشکیل حکومت الله در زمین به حرکت درآورد.

میشل جانسون در مقاله‌ای در نشریه «ژئوپولیتیکان استراتژیک» می‌نویسد: «جامعه مسلمین (پس از انقلاب ایران) از حالت ضعف و ناتوانی خود خارج شد و به یک قدرت تبدیل شد.» نکته بعدی این است که تا قبل از انقلاب اسلامی بیشتر حرکت‌های اسلامی خاموش بود؛ ولی با پیروزی انقلاب اسلامی حرکت‌های اسلامی جان دوباره گرفت. پیش از آن گروه‌هایی، مانند اخوان المسلمین و گروه‌های انشعابی آن در جهان عرب و در مصر وجود داشتند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در کشورهای چون تونس، الجزایر، فلسطین، عراق، لبنان، عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس، مراکش، مالزی، اندونزی، و حتی در پاکستان گروه‌های سیاسی تازه‌ای با خط و روش و ایدئولوژی اسلام‌گرایانه شکل گرفتند. در این میان، فعالیت گروه‌های اسلامی در کشورهای چون مصر، سوریه و سودان تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران شدت بیشتری یافت. در لبنان که بیش از هر کشوری تحت تأثیر نهضت امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی قرار گرفته، جنبش‌های شیعی امل، أمل اسلامی و حزب الله و گروه سنی جنبش توحید اسلامی تحت تأثیر نهضت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی رشد کرده یا تأسیس شدند. در عراق نیز فعالیت حزب الدعوة الاسلامی که از حمایت آیت الله سیدمحمدباقر

ابراهیم اکبری

روزنامه نگار

سالروز پیروزی انقلاب اسلامی زمان مناسبی است برای بازگو کردن گوشه‌ای از دستاوردهای انقلاب اسلامی. اگرچه دستاوردهای انقلاب اسلامی در شرایطی که حجم دشمنی علیه انقلاب ایران به هیچ وجه ممکن قابل مقایسه با سایر انقلاب‌ها و کشورها نیست، با یک نوشته قابل بیان نیست؛ اما در اینجا تنها به بخشی از آن دستاوردها اشاره می‌شود. بی‌شک انقلاب اسلامی ایران پدیده‌ای نوظهور در قرن حاضر است. انقلابی غایت‌گرا، آرمان‌گرا و اسلام‌گرای جهان شمول که در دل جهان اسلام به رهبری امام خمینی (ره) هدایت شد و تحولی شگرف در عرصه روابط بین‌الملل و در معادلات سیاسی دولت‌های جهان پدید آورد.

۱ **تأسیس حکومت اسلامی:** یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در دل انقلاب رخ داد، تشکیل حکومت اسلامی بود. اتفاقی که تا سال ۱۳۵۷ در هیچ جای دنیا رخ نداده بود. گفتمان اسلام سیاسی در زمانی مطرح شد که دین به شدت مورد هجوم قرار گرفته بود. در واقع در دنیای لائیسزم و سکولاریسم، دین از سیاست جدا تصور می‌شد و سیاست‌مداران دنیا نیز با اعتقاد به دخالت نکردن دین در سیاست راه هر گونه اظهار نظر دینی در سیاست را بسته بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جهانیان به این نتیجه رسیدند که دین (اسلام)، نه تنها می‌تواند در سیاست دخالت کند که خود بر نامه‌های مهم و دقیقی نیز در زمینه سیاست و حکمرانی دارد. نظریه سیاسی ولایت فقیه به نظام سیاسی، به منزله طرح نوین در مجموعه نظام‌های بین‌المللی در واقع کشیدن خط بطلان بر تئوری پوچ جدایی دین از سیاست و نظریه سکولاریسم بود.

روژه گارودی، اندیشمند فرانسوی در این زمینه می‌گوید: «انقلاب اسلامی دارای معنای جدیدی بود که نه تنها حکومت سیاسی، اجتماعی و استعماری را سرنگون کرد، بلکه مهم‌تر از این تمدن و جهان‌بینی خاصی را که در مقابل دین علم شده بود، واژگون ساخت.» از این رو پیروزی انقلاب اسلامی خود دریچه‌ای جدید به روی اندیشمندان و صاحب‌نظران سیاست باز کرد و این اندیشه را که دین نباید در سیاست دخالت کند، به چالش کشاند.

دریچه

فرار مرغ طوفان!

خیال‌بافی‌های آخرین نخست‌وزیر پهلوی

خمینی کنترل ادارات دولتی و شهرداری و دادگستری را در بسیاری از شهرها در دست گرفتند. میلیون‌ها نفر به نفع آیت‌الله و حکومت اسلامی راه‌پیمایی کردند. بختیار بر نامه‌های آیت‌الله خمینی را «کهنه و قرون وسطایی» نامید... سربازان دسته دسته فرار می‌کردند. مأموران ساواک یا از ترس جان می‌گریختند، یا به قتل می‌رسیدند و یا اگر خوشبخت‌تر بودند اجازه می‌یافتند به آیت‌الله خمینی بپیوندند. هزاران غیر نظامی از در و دیوارهای چندین پادگان نظامی پالافتند و اسلحه‌ها را ربووند و پادگان‌ها را آزاد ساختند. با این حال بختیار طی یک نطق رادیویی اعلام کرد: «اینگونه اعمال هیچ تأثیری بر من ندارد.»

تیر خلاص بر این مرد که از واقعیات به دور بود و تلاش می‌کرد انقلاب را مهار کند، در ۱۱ فوریه (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) خالی شد. افراد مسلح و هواداران آیت‌الله خمینی به خیابان‌ها ریختند و کنترل بقیه تأسیسات نظامی را بر عهده گرفتند. آن عده از فرماندهان نظامی که هنوز امیدوار بودند کودتایی صورت بگیرد، دریافتند که دیگر همه امیدهایشان بر باد رفته است. شورای عالی فرماندهان نظامی به سربازان دستور داد به پادگان‌ها بازگردند و بازگان نخست‌وزیر آیت‌الله خمینی را مطمئن کرد که ارتش اکنون آماده پشتیبانی از دولت موقت است. بختیار سرانجام فهمید که بازی را باخته است.»



بختیار آخرین نخست‌وزیر رژیم پهلوی بود که همچنان متوهمانه باور داشت خواهد توانست انقلاب را مهار و حکومت سلطنتی را حفظ کند! او به تدابیر خود و کمک ارتش دلخوش کرده بود و گمان داشت که سیاست‌ها و تدابیرش کارساز خواهد بود، غافل از آنکه به واقع امر مدت‌هاست اداره کشور در اختیار انقلابیون به رهبری حضرت امام(ره) قرار گرفته است. ویلیام شوکران، مدیر کمیسیون خیریه انگلیس و ولز و نویسنده و مفسر بریتانیایی و نویسنده کتاب «آخرین سفر شاه» که نشر البرز وارد بازار کرده است، درباره دوران کوتاه نخست‌وزیری بختیار می‌نویسد:

«هنوز در میان فرماندهان نظامی شاه

کسانی بودند که تصور می‌کردند کودتا علیه آیت‌الله خمینی امکان دارد. آنان کوشیدند شاپور بختیار را که هنوز نخست‌وزیر بود با آن موافق ستایند. بختیار که خود را مرغ طوفان خوانده بود، بی‌میل بود، زیرا اعتقاد داشت خودش شاه را بیرون کرده و پشتوانه او اکنون به قدری قوی است که به تنهایی می‌تواند آیت‌الله خمینی را به زمین بزند. او یک روز پس از بازگشت آیت‌الله خمینی اعلام کرد: «از ۵۰ سال پیش تاکنون ارتش هیچ‌گاه اینطور مطیع نخست‌وزیر نبوده است.»

تا مفتح فوریه (۱۸ بهمن ۱۳۵۷) پیروان آیت‌الله

صدر برخوردار بود، در اثر وقوع انقلاب اسلامی گسترش یافت. در فلسطین نیز دو گروه اصلی جهاد اسلامی و سازمان مقاومت اسلامی یا حماس متأثر نهضت امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت. در افغانستان به دلیل اشتراک زبانی، همجواری و فرهنگی اثربخشی انقلاب اسلامی نیز آغاز شد و در مقاومت مردم در برابر کودتای کمونیستی طرفدار شوروی نمود کاملی یافت، در زمان اشغال افغانستان به دست ارتش سرخ شوروی نیز گروه‌های شیعه و سنی یعنی مجاهدین افغانی از انقلاب اسلامی تأثیر می‌گرفتند. در پاکستان نیز پیروزی انقلاب اسلامی ایران باعث ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی نسل جوان شیعی شد.

«ابا آبان» نظریه‌پرداز صهیونیستی و وزیر خارجه وقت رژیم صهیونیستی می‌گوید: «انقلاب اسلامی، کوتاه‌اندیشی نیست؛ بلکه فصل جدیدی در تاریخ ایده است. من احساس می‌کنم این ایده در منطقه خاورمیانه شیوع یافته و پیروزی انقلاب اسلامی بیانگر این پدیده‌هاست.»

انقلاب اسلامی الگوی جهانیان برای

۳ **مبارزه:** پروفیسور جیمز بیسل، محقق آمریکایی در این خصوص می‌گوید: «موجی از هیجان تسوده‌ای، اسلام را فرا گرفته است، از یوگسلاوی و مراکش تا اندونزی و مالزی و فیلیپین در شرق، این اسلام نوظهور که به لحاظ ایدئولوژیک منسجم است، در انقلاب ۱۹۷۹ ایران، در اشغال مسجد الحرام در مکه، ترور انور سادات در نوامبر ۱۹۸۱، در مقاومت لبنان و... انعکاس یافت. این نیروی توده‌ای که غالباً به عنوان اسلام بنیادگرا توصیف می‌شود، از مرزهای جغرافیایی گذشته، ایدئولوژی سیاسی و رژیم‌های ملی را نیز فراگرفته است.»

هربر، روزنامه‌نگار سوئیسی درباره تأثیر انقلاب اسلامی و شعار حمایت از مستضعفین می‌نویسد: «به دنبال انقلاب اسلامی، آمریکای لاتین شاهد ده‌ها کشیش بود که با انتقاد از پاپ خواستار تجدید نظر در آیین کلیسای واتیکان بودند.» اوج چنین روندی در احیای مسیحیت سیاسی در نیکاراگوئه خود را نشان داد. چند سال پس از انقلاب نیز صدها کتاب در مورد نقش مذهبی در صحنه سیاست و اجتماعی نوشته شد و بسیاری از دانشگاه‌ها درباره مذهب تحقیق کردند.

کنکاش

مردم نبودند، نوار بود!

توهمات آخرین کارگزاران رژیم پهلوی

شاه در ماه‌های منتهی به بهمن ۱۳۵۷ همه توان خود را برای جلوگیری از سقوط به کار برد. از جمله آنکه تلاش کرد تا با تشکیل دولت نظامی اقتدارگرا، کار را بر انقلابیون سخت کند و مردم را با حربه ایجاد رعب و ترس به خانه برگرداند. راهبرد خطایی که بلعکس جواب داد و بر آتش انقلاب افزود.

ارتشبد غلامرضا از هساری، یکی از فرماندهان ارشد ارتش شاهنشاهی ایران در دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی بود که از ۱۵ آبان ۱۳۵۷ تا ۱۱ دی ۱۳۵۷ نخست‌وزیر ایران شد. او پس از کناره‌گیری بلافاصله راهی آمریکا شد.

وی در مصاحبه‌ای در آخرین روزهای سال ۱۳۷۳ در حالی که در واشنگتن در بستر بیماری بود، نکاتی را از بحران سال ۱۳۵۷ بیان کرده است که در کتاب «نخست‌وزیران ایران از صدر مشروطه تا فروپاشی دولت بختیار» که به قلم سعید قانعی و محمدعلی علمی نوشته شده، آورده شده است. این گفت‌وگو به خوبی بی‌لیاقتی و توهمات رجال سیاسی دربار پهلوی را نشان می‌دهد. در بخشی از این سؤال و جواب آمده است:

«سؤال: وقتی این مأموریت را پذیرفتید چه برنامه‌ای داشتید؟ آیا برای خودتان مشخص بود که به عنوان یک نخست‌وزیر



مملکت در هم و آشفته و آشوب زده باید کاری انجام بدهید؟

اولویت‌ها چه بود و استراتژی شما در موقعی که قبول مسئولیت کردید چه بود؟

سرکوب انقلاب یا کنار آمدن با انقلاب؟

از هساری: بنده هیچ‌گونه برنامه‌ای برای دولت نداشتم. هدفم آرام کردن مملکت بود. اصلاً میل نداشتم نخست‌وزیر شوم. اعلیحضرت‌امر کرد و من اطاعت کردم.

سؤال: شما در آن روزها فکر می‌کردید که نظام شاهنشاهی یک روز سقوط کند و جمهوری اسلامی جای آن را بگیرد؟

از هساری: با آن ارتشی که من در آن مملکت به جای گذاردم اصلاً فکرم را نمی‌کردم که چنین تغییرات عظیمی اتفاق بیفتد.

سؤال: یکی از گفته‌های معروف شما در شب‌های انقلاب موضوع «نوار» بود. آیا واقعاً آن شعارها از نوار بود؟

جواب: بله واقعاً نوار بود و اطلاعاتی که به من می‌رسید همین بود.

سؤال: منظورتان این است که مردمی در خیابان‌ها نبودند و آن صداهایی که ما از پشت بام‌ها می‌شنیدیم، واقعاً صدای نوار بود؟

جواب: بله، اطلاعاتی هم که مردم می‌دادند می‌گفتند نوار است. همسایه‌ها هم می‌گفتند صدای نوارها را بلند کرده‌اند و ما می‌شنویم. البته این یکی از کارها و روش‌های جنگ براندازی است.»

راه نورانی

ویژه چهل و دومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران

شماره ۹۸۷ | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۹

صداقت

تحریف

خط تطهیر طاغوت!

مهدی خورشیدی

کارشناس سیاسی



بهمن، در تاریخ سرزمین سربلندمان همیشه ماندگار است. این قطعه از عمر ایران، به عنوان نقطه آغاز و سکوی سبقت به سمت قله‌های افتخار و اقتدار بوده و سرمنشأ تحولاتی بزرگ در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... ایران شده است.

دستاوردهای این دگرگونی و انقلاب، این قدر واضح و روشن بوده که گاهی دشمنان قسم خورده و اغیار، لب به اعتراف گشوده، در اطراف آن سخن‌ها رانده و قلم‌فرسایی کرده‌اند. فقط برای نمونه می‌توان به نوشته‌های آقای میشل

فوکو از نظریه‌پردازان پست مدرنیسم اشاره کرد. وی این پدیده را «روح یک جهان بی‌روح» می‌نامد و چه زیبا گفته‌اند که: «الفضل ما شهد به العداء». استقلال سیاسی، حفظ تمامیت ارضی، اقتدار علمی اعجاز‌آور، دستاوردهای نظامی خیره‌کننده، افزایش سطح امید به زندگی، گسترش عدالت، پیشرفت‌های پزشکی افتخارآفرین، ایجاد امنیت پایدار و قابل قبول در منطقه‌ای پرآشوب و ناامن، پیشرفت برق‌آسا در فناوری‌های نو و... فقط بخشی از ثمرات و برکات این انقلاب مقتدر مظلوم بوده، در اوج تحریم‌های فلج‌کننده و جنگ‌های ترکیبی و هوشمند.

این ثمرات و اثرات باید در همه ایام، به ویژه در ایام منسوب به انقلاب بازخوانی شود؛ چرا که بر اساس آمار، حدود ۸۰ درصد از جمعیت فعلی کشور، متولدان بعد از انقلاب بوده و تباهی ستمشاهی را اصلاً لمس نکرده و نجشیده‌اند. امروز هم رسانه‌هایی قلم به مزد، خط تطهیر طاغوت را دنبال کرده تا همه ناکارآمدی و پلشتی‌های پهلوی را ناچیز جلوه داده و پیشرفت‌های فعلی را امری طبیعی و معرفی کرده که با حضور سیستم قبل هم قابل دسترس بود. صد البته این هم از جوک‌های تاریخی است، چرا که آنها

بیش از ۷۰ سال مدیریت و مسئولیت را بر عهده داشتند، اگر بنا بود توفیقی با حضورشان حاصل شود، زمان زیادی در اختیارشان بود، ولی کارنامه ناکارآمدی آنها در همه ابعاد، موجود بوده و گواه صادقی بر صداقت نداشتن‌شان است.

درست دو دهه پیش رهبر حکیم انقلاب نسبت به تحریف تاریخ انقلاب هشدار داده و تأکید کردند: «از اوایل انقلاب، یکی از اهداف مهم دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود. اگر یک وقت در داخل کشور حنجره یا قلم مز‌دوری پیدا می‌شد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تحریف می‌کرد، می‌دیدید فریادهای تشویق از اطراف دنیا بلند می‌شود. امروز نیز همین‌طور است. امروز هم اگر در داخل کشور کسانی به خاطر خوش کردن دل استکبار و راضی کردن دشمنان اسلام و این ملت و این کشور چیزی بگویند و بنویسند که در آن تحریف اسلام و تاریخ انقلاب و چهره‌های انقلاب باشند، می‌بینید که در دنیا از طرف دستگاه‌های تبلیغاتی استکبار برای او هورا می‌کشند و او را تشویق می‌کنند! تبیین، موضوع بسیار مهمی است. انسان‌ها تابع بینش و دید خودشان هستند. اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد.»



محمد سرشار، مدیر شبکه پویا: شورانگیز و غم‌انگیز است: ایرانی‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی غیر ایرانی، مدیر ایرانی خطاکار را وادار به عذرخواهی کردند؛ اما چرا شبکه‌های اجتماعی ایرانی، پیام‌رسان ایرانی‌ها به مدیران خطاکار ایرانی نیستند؟ کدام مدیران خطاکار ایرانی اجازه ندادند دانشجویان ایرانی شکوفا شود؟

سیدعطاءالله مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت اصلاحات: بسیار قابل توجه اپوزیسیون برانداز ایرانی که چهار سال دور ترامپ گشتند، گفتند عاشق ترامپ! برای ترامپ واقعاً اشک ریختند! فکر می‌کردند کار دولت ونزولا تمامه! یادتان هست ترامپ و بولتون و پمپو چه فشار سنگینی بر دولت ونزولا تحمیل کردند؟ این هم نتیجه دولت ونزولا ماند و دولت ترامپ رفت!

پیمان علیشاهی، کارکنانوریست: با تلاش مجلس انقلابی، جلوی معافیت مالیاتی سلبریتی‌ها و مافیای کنکور گرفته شد، از خانه‌های خالی و خودروهای لوکس هم مالیات گرفته می‌شود، در مقابل گویا دولت غریزه قرار نیست نفت رو از بودجه حذف کنه! بودجه تدوین شده دولت، نه فقط «بودجه مذاکره» است، بلکه «بودجه مذاکره از موضع ضعفه»!

حسین رحیمی، فعال فضای مجازی: سیدضیا و رضاخان زوج سیاسی انگلیس بودند؛ ۱۲۹۹ در ایران کودتا کردند، چند سال بعد هم نوبت به فلسطین رسید که با پول رضاخان، سیدضیا مأمور شد تا ساکن حوالی غزه شود و زمین‌های مردم فلسطین را بخرد و پنهانی به صهیونیست‌ها منتقل کند. خیانت اینها تنها مربوط به ایران نبوده است.

عبدالله گنجی، تحلیلگر مسائل سیاسی: لیست ۱۵ نفره اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان به جز دو نفر همه بالای ۵۵ سال هستند. یکی از آن دو نفر هم عضو نهضت آزادی مطرود امام است. دولت جوان حزب‌اللهی پیشکش، لااقل به جوانان خود میدان دهید که انقطاع نسلی اتفاق نیفتد.

سیدنظام‌الدین موسوی، نماینده مجلس: در حال بررسی صدور مجوزهای «خط ویژه» برای مسئولان مختلف هستیم. فقط در یک مورد سال ۱۳۹۷ برای همه نمایندگان مجلس دهم مجوز خط ویژه آماده شده بود که در همان زمان مورد اعتراض آقای بیگی، نماینده تبریز قرار می‌گیرد. ظاهراً این خط ویژه مسئولان است، نه خط ویژه اتوبوس!

سیدباقر جیرانی، تحلیلگر مسائل سیاسی: یکی از شگردهای لیبرالیسم ایرانی برای کسب قدرت و سپس القای کفایت، «تجارت وحشت» است. با گزاره «اگر ما نیابیم و دیگران ببینند بحران می‌شود» به قدرت می‌رسند و با گزاره «اگر ما نبودیم و دیگران بودند بحران می‌شد» بی‌کفایتی‌های‌شان را لاپوشانی می‌کنند.

محمد اکبرزاده، فعال فضای مجازی: از دو نفر از نمایندگان محترم مجلس دعوت کرده بودیم برای بازدید از دستاوردهای فناوری نانو؛ اولی با متر و آمد و دومی با یک سمند مدل ۹۰! بدون خدم و حشم، بدون هیچ تشریفات! چیزی که از کارزار انقلابی انتظار می‌رود همین است، نه منش و مرام طاغوتی بعضی‌ها!

خط ویژه!

خلق فرصت از یک ماجرای پر حاشیه

که حتماً در فضای مجازی شاهد بوده‌اید. حال و هوای این کلیپ و روایت نقل شده در جریان آن از همان بدو انتشار این ویدئو موجب باز نشر گسترده آن در فضای مجازی و بروز واکنش تند کاربران فضای مجازی شد.

از یک‌سوی کاربران که خاطره ماجرای ضرب و شتم «سرباز بابلی» را هنوز در خاطر داشتند، خواهان برخورد جدی با فرد متخلف در این ماجرا بودند و از سوی دیگر هم برخی سوجدویان سیاسی با سوء استفاده از فضای روانی ایجاد شده و تعمیم تخلف یک فرد به سایر مجلسیان شروع به عقده‌گشایی علیه مجلس انقلابی کرده و در راستای تضعیف سرمایه اجتماعی مجلس یازدهم هر آنچه از دست‌شان بر می‌آمد، انجام دادند.

حال فضاغ از اینکه این ماجرا چه شد و چه گذشت که رسانه‌های زیادی به آن پرداخته‌اند، در ابتدا باید از عملکرد فرماندهان سبزه‌پوش نیروی انتظامی به دلیل حمایت از سرباز وظیفه پاسدار قانون و حمایت از او در برابر همجهما

و فشارها تقدیر کرد؛ چرا که یک مشاوره نادرست و مصلحت‌سنجی نابه‌جا در این ماجرا می‌توانست به تضعیف موقعیت نیروهای نظامی و انتظامی کشور در عرصه مقابله با قانون‌گریزان و قانون‌شکنان منجر شود؛ اما خوشبختانه حمایت تمام قد فرماندهان ناجا از سرباز قانون‌مدار این نهاد به همه اثبات کرد که قانون خط قرمز پاسداران نظم و امنیت است.

اما باید پذیرفت که مقصر اصلی این ماجرا نماینده متخلف نیست؛ بلکه مقصر آن مسئولانی هستند که با راه‌اندازی خطوط ویژه در هر جا و مکانی، برای عده‌ای محدود آن هم جلوی چشم همه ملت راه میان‌بری ایجاد می‌کنند و برای‌شان هم فرقی نمی‌کند که ایسن راه میان‌بر در خیابان‌های تهران باشد یا یک راه میان‌بر در عرصه اقتصاد و دریافت تسهیلات اقتصادی!

جالب است که کارشناسان دلسوز انقلابی بارها در تریبون‌های رسانه‌های مختلف یادآوری کرده‌اند که اصرار برخی از مسئولان و مدیران

به استفاده از امتیازات خاص و ویژه مانند خط ویژه، خواهی نخواهی بازی در زمین دشمنان انقلاب اسلامی به شمار می‌آید؛ چرا که این دست امتیازات نتیجه‌ای جز تحریک ناراضی‌های آحاد ملت ندارد! برای درک بهتر این مسئله کافی است که از مردم شاهد عبور خودروهای LED دار مسئولان ریز و درشت از خطوط ویژه خیابان سؤال شود که احساس آنها از دیدن این صحنه چیست؟!

در پایان باید به این نکته توجه داشت که ماجرای پر حاشیه اخیر با همه تلخی‌های منتش می‌تواند فرصتی برای اصلاح روند و رویه ناصواب تعیین امتیازات ویژه غیر ضروری برای برخی مسئولان و مدیران کشور باشد؛ لذا از جریان رسانه‌ای و کارشناسی دوستاندار کشور انتظار می‌رود با رها کردن حواشی، از این فرصت کم‌نظیر در راستای تأمین منافع ملی ملت و خنثی‌سازی یکی از مهم‌ترین امیدهای دشمن بهره‌برداری کنند.

قانون حامی مأموران قانون مدار است

کمک می‌کند، مرتکب جرم شده است. « از این رو باید همه شهروندان اعم از مردم و مسئولان خود را در برابر قانون برابر دیده و با قانون‌مداری و ترویج این روحیه زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت بیش از پیش کشور شوند.



شد. خوشبختانه به لطف غنای قانونی جمهوری اسلامی ایران، در حقوق کیفری کشورمان برای تحقق این وعده در ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و همچنین ماده ۳۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، حمله یا مقاومت نسبت به مأموران دولتی، به عنوان ترمز، جرم شناخته شده است و مرتکبان آن بدون اغماض تحت پیگرد و برخورد قانونی قرار می‌گیرند.

البته باید به این مهم توجه ویژه داشت که به طور کلی در تمام کشورها مأموران دولتی در عرصه اجرای وظایف از حمایت قانونی برخوردار هستند و هیچ مقام و مسئولی نمی‌تواند مانع از انجام وظیفه آنها شود؛ برای نمونه، در بند ۲ ماده ۸۹ قانون پلیس انگلیس مصوب سال ۱۹۹۶ آمده است:

«هر شخصی که در برابر پلیس مقاومت کند یا عاقدانه مانع اجرای وظیفه پلیس یا هر شخصی شود که پلیس را در اجرای وظیفه‌اش

اختیارات خود عمل کنند، اعمال‌شان قانونی است و هر گونه حمله و مقابله با آنها یا مقاومت در برابر اجرای قانون از سوی آنها به هر شکل ممکن، ترمز از قانون به شمار می‌آید و طبیعتاً محکوم است.

باید توجه داشت که بر مبنای آموزه‌های اسلامی و همچنین متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همه آحاد ملت فارغ از شغل، مرتبه و سایر ارزش‌های عرفی و اجتماعی در برابر قانون مصوب کشور یکسان و مساوی هستند، پس اعاده نظم و اجرای قانون در راستای عدالت جز این نیست، مگر اینکه اشخاصی که در جرگه امانت‌داران اجرای عدالت و مشغول انجام وظیفه مشروع و قانونی هستند، تحت پوشش و حمایت‌های لازم قانونی مجری اعمال قانون در سطح جامعه باشند.

در واقع قانون به مأموران قانونی اطمینان داده است که به هنگام افسای وظیفه و رعایت چارچوب‌های قانونی آن مأموریت، بدون دغدغه خاطر، مصون از هرگونه تعرض و تجاوز و تضییع حق خواهند بود و متعرضان به آنها در حین انجام وظیفه، از سوی قانون محکوم و مجازات خواهند

اشکان پیرزاده

کارشناس پژوهشگر حوزه حقوق



طی هفته گذشته خبر سیلی خوردن یک سرباز از یک مقام مسئول به تیر اول رسانه‌های دوست و دشمن بدل شد. فارغ از صحت و سقم این موضوع و اظهارات متناقض مطرح شده درباره این واقعه، در اینجا قصد داریم به این بحث بپردازیم که این ماجرا صحت دارد و در چنین شرایطی نگاه و جایگاه قانون در برخورد با این مسئله چیست؟!

در واقع در این یادداشت مختصر قصد داریم بررسی کنیم که قانون در حمایت از مأموران خادم نظم و امنیت ملت چه تمهیداتی را دارد و آیا در متن قانون جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی‌های لازم و ضمانت اجرایی برای حمایت از مأموران نظامی و انتظامی دیده شده است یا خیر؟!

در پاسخ به این پرسش و با مراجعه به متن قانون می‌توان گفت، مأموران دولتی در صورتی که در حدود وظایف محول و صلاحیت و

پژواک

دزدی اطلاعات!

اعتراف آمریکا به جاسوسی



بالاخره نهادهای امنیتی و نظارتی آمریکا اعتراف کردند که آژانس اطلاعات دفاعی ایالات متحده (DIA) مدت‌ها بدون دریافت مجوز قانونی، اقدام به جمع‌آوری داده‌های مکانی موبایل‌های شهروندان آمریکایی می‌کرده است. آژانس اطلاعات دفاعی (DIA) در گزارش جدید خود اعتراف کرده است، داده‌های مکانی افراد را بدون اطلاع از مکان مشخص آنها از کارگران خریداری می‌کند. کارگزاران داده‌ها همانطور که از نام آنها مشخص است با پرداخت هزینه به سازندگان برنامه و وب‌گاه‌ها اقدام به جمع‌آوری و فروش اطلاعات افراد می‌کنند.

خبر خوب

دولت همراه

گسترش دولت الکترونیک در کشور



بر اساس آخرین آمار سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی کشور، ضریب نفوذ تلفن همراه در کشور از ۱۵۰ درصد فراتر رفت. سازمان رگولاتوری، گزارش وضعیت ارتباطات کشور تا پایان سه ماهه فصل سوم ۹۹ را منتشر کرد و بر اساس آخرین آمارها، تعداد مشترکین تلفن همراه از ۹۳ میلیون در سال ۱۳۹۷، از مرز ۱۲۵ میلیون مشترک گذشته است. با توجه به این آمار جدید، به نظر می‌رسد زمینه لازم برای شکل‌گیری دولت همراه یا همان Mobile Government و افزایش دسترسی‌پذیری خدمات دولتی در کشور ما بیش از هر زمانی فراهم شده است.

نرم افزار

آبادیس

لغت نامه و مترجم و همراه



لغت‌نامه «آبادیس» مجموعه‌ای از چندین دیکشنری، فرهنگ لغت و دانش‌نامه کاربردی است که بیشتر نیازهای دانش‌آموزان و دانشجویان کشورمان را در زمینه ترجمه متن انگلیسی برآورده می‌کند؛ چرا که این نرم‌افزار بیش از ۳ میلیون واژه و عبارت را به همراه معنی، توضیحات و تلفظ در بر می‌گیرد. البته برای استفاده از امکانات این لغت‌نامه محبوب باید به اینترنت متصل باشید؛ چرا که بانک اطلاعات این نرم‌افزار ایرانی بر روی سرورهای قدرتمند قرار گرفته و به همین دلیل حجم نرم‌افزار نصب شده بر روی موبایل شما بسیار پایین و سرعت جست‌وجو در آن بسیار بالاست.

انقلابی برای فرهنگ

به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی

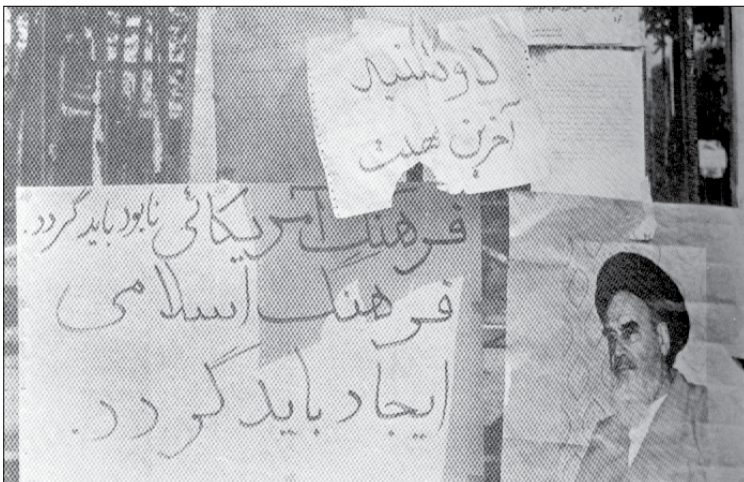
حسین مهریزی

خبرنگار فرهنگی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دهها نهاد فرهنگی دولتی و شبه‌دولتی در بخش‌های مختلف تشکیل شد تا هر یک از آنها، رسالت فرهنگی تربیتی انقلاب اسلامی را با جدیت دنبال کنند و باری را در عرصه فرهنگ بر دوش بکشند. برآیند همه این فعالیت‌ها و طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی هم باید در رشد فرهنگ عمومی و نخبگانی جامعه خودش را نشان داده باشد، اما واقعیت علیرغم همه زحماتی که کشیده شده و آثار غیرقابل انکار آنها، در آغاز پنجمین دهه از عمر انقلاب اسلامی، واقعیت این است که با وجود این همه نهادسازی فرهنگی، سمت و سوی کار آنها آنطور که باید و شاید، هماهنگ و هم‌افزا نبوده و نتیجه کلی این فعالیت‌ها نیز قابل نقد و بررسی است. البته قرار نیست در این زمینه سیاه‌نمایی شده و فضای عمومی فرهنگ کشور به طور کامل ضعیف و از دست رفته تصور شود؛ از سوی دیگر، قرار نیست با خوش‌بینی جاهلانه، کاستی‌ها و آسیب‌های فرهنگی موجود نیز نادیده انگاشته شده و به قول معروف، همه چیز «گل و بلبل» تصور شود؛ حد وسط این دو حالت، بررسی هوشمندانه این نکته است که امروز چه آسیب‌ها و تهدیداتی در حوزه «فرهنگ» وجود دارد و چرا نهاد‌های متنوع و متعدد فرهنگی، نتوانسته‌اند این درد را علاج کنند و از این به بعد، چه باید بکنند؟

جزیره‌های جذاب و جدا از هم!

با پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر تحول محتوایی و بنیادی در دستگاه‌های فرهنگی سابق، مانند وزارت آموزش و پرورش، آموزش عالی و صدا و سیما، دهها نهاد فرهنگی جدید نیز به مرور زمان و



بر اساس اهداف و آرمان‌های انقلاب تشکیل شدند. از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - که شکل متحول شده «وزارت اطلاعات و جهانگردی» دوران ستمشاهی است - گرفته تا نهادهایی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، شورای عالی کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، شورای سیاست‌گذاری انجمن جمع، معاونت‌های فرهنگی-اجتماعی دستگاه‌های دیگر و دهها بنیاد و پژوهشگاه فرهنگی، همگی مولود انقلاب اسلامی بوده‌اند تا مأموریت تحول و رشد فکری و فرهنگی جامعه ایرانی را با جدیت دنبال کنند، اما سؤال اینجاست که اهداف مورد نظر انقلاب، چقدر از رهگذر این نهادسازی‌ها و ساختارسازی‌ها محقق شده و اگر کم محقق شده، گیر کار کجا بوده است؟! به اعتقاد کارشناسان،

نداشتن نگاه جامع‌نگر و نیز به روز نبودن طرح‌ها و راهبردهای طراحی شده از سوی دستگاه‌های فرهنگی از یک طرف و ناهماهنگی و نداشتن حرکت منسجم آنها در یک مسیر از سوی دیگر، باعث شده است تا خروجی کارهای انجام شده آنطور که باید و شاید، مقبول به نظر نرسد یا با وضعیت مطلوب، فاصله جدی داشته باشد. به گفته حجت‌الاسلام دکتر سیدسعیدرضا عاملی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، «در زمینه فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی، نیازمند ایجاد فضای همکاری گروهی یکپارچه هستیم و اگر مجموعه فعالیت‌های فرهنگی در مسیر همکاری شبکه‌ای قرار گیرد، آثار ارزنده‌ای به دنبال خواهد داشت. به نظر می‌رسد به نوعی نهادهای کشور، مانند جزایر جدا افتاده عمل می‌کنند و باید شبکه مدیریت یکپارچه برای رفع این مشکل ایجاد شود.» هرچند در دو دهه اخیر، با اقداماتی از قبیل

تدوین و تصویب سند «مهندسی فرهنگی کشور»، تلاش شده است تا این ناهماهنگی و کار جزیره‌ای، تا حدودی جبران و ترمیم شود؛ اما به نظر می‌رسد، به دلایل متعدد از جمله عادت نداشتن جامعه ایرانی به کار گروهی و هماهنگی، همچنان این فعالیت‌های فرهنگی به صورت جزیره‌ای بوده و در بُعد کلان، نتیجه‌ای که انتظار می‌رود، گرفته نشده است.

کار هوشمند و هماهنگ

رهبر حکیم انقلاب که دانم‌بسر اهمیت و اولویت عرصه فرهنگ تأکید داشته و دارند و فرهنگ را مانند «اکسیژن» برای جامعه توصیف کرده‌اند، بارها و بارها در اهمیت هوشمندی و نگاه جامع در پیگیری طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی تأکید کرده‌اند؛ از جمله امسال و در سخنرانی تلویزیونی روز ۱۳ آبان، عرصه فرهنگ را یکی از میدان‌های مهم برای کار جدی مسئولان در کنار دو عرصه اقتصاد و امنیت خواندند و هشدار دادند که «گاهی حجم کارهای فرهنگی ما زیاد است، اما باید فعالیت هوشمند باشد؛ یعنی بدانیم کجا به چه کاری نیاز است و به سراغ همان کار برویم.» ایشان در مناسبت‌های مختلف دیگر، از جمله در دیدارهای دوره‌ای با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز، بارها بر اهمیت کار هوشمندانه و هماهنگی در حوزه فرهنگ تأکید کرده‌اند. حال سؤال اینجاست که این هماهنگی و هم‌افزایی و البته هوشمندی در کار فرهنگی چطور حاصل می‌شود؟ به نظر می‌رسد، بازنگری دوباره راه رفته از جانب دستگاه‌های فرهنگی، آن هم منطبق بر اهداف و آرمان‌های انقلاب و تجربه‌های تلخ و شیرین گذشته و نیز توجه دقیق و دائم به نیازهای فرهنگی مردم، نقطه آغاز خوبی برای رفع این نقیصه و حرکت به سمت نقطه مطلوب خواهد بود.

۱۳ فرهنگ

شماره ۹۸۷ | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۹



یادداشت

سیاه مشق‌های شبه‌روشنفکرانه

آرش فهیم

منتقد سینما



سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران در حالی مرحله دوم خود را پشت سر گذاشت که از لحاظی قابل تأمل و تحلیل است.

در جشنواره سی‌وهفتم فیلم کوتاه تهران، همه چیز به طور نمادین هماهنگ بود؛ انتخاب «غربی‌ترین» نقطه تهران و یک پردیس سینمایی در بازاری اشرافی و پر زرق و برق اما بی‌روح، با فضای کلی و رویکرد این جشنواره تطابق داشت!

جشنواره‌ای بی‌هویت، که هنوز حتی یک مکان ثابت برگزار نمی‌شود و هر دوره به یک سالن یا پردیس سینمایی پناه می‌برد، بدون اینکه مکان‌های موقت برگزاری اش، ربطی به مفهوم فیلم کوتاه داشته باشد! مثل پردیس ایران مال، که مشخص نیست بر اساس کدام تصور و



درک فرهنگی به عنوان محل برگزاری جشنواره فیلم کوتاه انتخاب شد؟! آقایان هنوز نمی‌دانند که فیلم کوتاه یعنی فرمی زیبا و موجز که با حداقل امکانات، بودجه و تجهیزات و تا حد اکثر ذوق، عشق، شجاعت و خلاقیت به ظهور می‌رسد. پس خالقان و مخاطبان این جشنواره، قاعدتاً باید نسل جوان صاحب هوش و خلاقیت باشند که درگیر مناسبات اقتصادی کلان و فخر و فروش مالی نیستند و اتفاقاً باید با این رسانه کوچک و ارزان به جنگ چنین ذخارفی بروند. پس انتخاب یک پردیس عریض و طویل و پر ترجمل و دور از مرکز و حاشیه شهر، کژراهه و بلکه بیراهه در این جشنواره است!

مدیران جشنواره فیلم کوتاه نیز مانند بسیاری از عوام، پندارشان این است که فیلم کوتاه، مانند اسمش یعنی همان فیلم بلندی که فقط زمانش کمتر شده است. این در حالی است که فیلم کوتاه، یک قالب رسانه‌ای مستقل و مهم است؛ قالبی که در آن اندیشه، هنر، جهان‌بینی، مردم‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، اسطوره‌ها و اعتقادات و مرام و مسلک یک ملت، در روایتی مینیمال پدیدار می‌شود؛ اما سیاستگذاران و متولیان جشنواره فیلم کوتاه تهران، این رویداد را به آن سمت برده‌اند که فقط عرصه‌ای برای ساختن فیلمسازان آینده باشد، نه فیلمسازان آینده‌ساز! جشنواره‌ای بدون سیاستگذاری و هویت‌مداری که پرورش‌دهنده کارگردانان دنباله‌رو کلیشه‌های شبه‌روشنفکرانه است. جشنواره فیلم کوتاه تهران، در وضعیت کنونی، جایی است برای کادرسازی فیلمسازهای دور از فرهنگ و دغدغه‌های ملی که چشم به جوایز کن و برلین دوخته‌اند و نه بیشتر!

برداشت

زنده یا ضبطی؟!؟

نگاهی به حواشی ایجاد شده برای برنامه زاویه شبکه چهار سیما

«زاویه» در شبکه چهارم رسانه ملی با حاشیه‌هایی روبه‌رو شد؛ حاشیه‌هایی که کار را به معذرت‌خواهی رئیس صدا و سیما از رئیس جمهور و حتی اخراج سردبیر «زاویه» کشاند.

سال قبل بود که تقدای تند و تیز برنامه زنده «جهان آرا» در شبکه افق باعث شد تا این برنامه نیز با تغییرات زیادی روبه‌رو شود و حتی بسیاری از برنامه‌های زنده نیز تحت تأثیر این حواشی، به سمت ضبطی شدن رفتند.

قطعاً برنامه‌های زنده از حساسیت بیشتری برخوردار هستند و باید با یک مهندسی از پیش تعیین شده و دقت بیشتری بر روی آنتن بروند. آنچه در این برنامه‌ها مهم است، حفظ شأن همه افراد جامعه از بالاترین سطح تا پایین‌ترین آنهاست، اما از طرفی صدا و سیما نیز باید نوع برخورد با این حواشی را مدیریت کند و بهترین

در دسترس عموم قرار دارد و با وجود اینکه شاید مخاطبان امروز سلیقه‌ای به مراتب متفاوت‌تر از گذشته دارند؛ اما هنوز هم برنامه‌های چالشی صدا و سیما از جنس همان مناظره‌ها یا گفت‌وگوها مورد استقبال فراوان مخاطبان قرار می‌گیرد.

در این میان برنامه‌های زنده همیشه می‌توانند ژانری جذاب در بین انواع تولید برنامه باشند؛ به شرط آنکه مجری کاملاً مسلط به مباحث باشد و مهمانانی هم در آن برنامه حضور داشته باشند که حرف‌هایشان را به نحوی بیان کنند که حق و انصاف در آن رعایت شده و بی‌حرمتی به هیچ شخص و فرد یا نهادی صورت نگیرد و این، بیش از هر چیز به بررسی این موضوع نیاز دارد که در هر حوزه چه مهمانانی قرار است موضوع بحث را تبیین کنند.

در هفته‌های اخیر، برنامه گفت‌وگو محور

نسیم اسدیپور

دبیر گروه فرهنگ



خیلی‌ها هنوز مناظرات سال ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ را یاد نبرده‌اند؛ مناظرات تلویزیونی که یک طرف بحث، نورالدین کیانوری و احسان طبری بود و طرف دیگرش متفکرانی همچون شهید آیت‌الله بهشتی و مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی.

این مناظرات هر چند زنده نبود و به صورت تولیدی پخش می‌شد، اما می‌توانست جوابگوی بسیاری از سؤالات ایدئولوژیک مردمی باشد که در روزهای پر فراز و نشیب انقلاب، در ذهن خود داشتند. حالا بیش از ۴۰ سال از آن روزها می‌گذرد، اما با وجود برنامه‌های متنوع، فضای مجازی و بسیاری محتوای دیگر که به راحتی

کتاب

در انتهای سراب

روایتی از روزهای انقلاب



«اراش یوسفی» از نویسندگان کشورمان درباره تازه‌ترین اثرش اظهار داشت: «در انتهای سراب عنوان اثری است که به تازگی از سوی انتشارات آیامهر روانه بازار کتاب شده است. وی با توضیح بیشتری درباره این کتاب گفت: «این اثر حوادث انقلاب اسلامی را از آغاز، یعنی از سال ۴۲ روایت می‌کند.

شخصیت‌های اصلی داستان سه دوست نوجوان به نام‌های احمد، محمد و رسول هستند که از طریق استادی به نام شفیع با مفهوم انقلاب آشنا می‌شوند و در کنار مردم قرار می‌گیرند و همگام با آنها جریانات سیاسی روزها انقلاب را پیش می‌برند.»

کتاب

فروش یک میلیون!

موفقیت نخستین نمایشگاه مجازی



نخستین نمایشگاه مجازی کتاب تهران در حالی که به دلیل استقبال گسترده مخاطبان چندین بار تمدید شد، بعد از تقریباً یک هفته به کار خود پایان داد. با وجود مشکلات زیرساختی برگزاری مجازی این نمایشگاه و قطعی‌های زیاد در دسترسی و خرید کتاب از ناشران حاضران در نمایشگاه مجازی، اما تعداد

فروش کتاب در این نمایشگاه به عدد جالب یک میلیون و ۲۰۰ هزار نسخه رسید. این در حالی است که آمار دور روز آخر نمایشگاه هنوز اعلام نشده است. همچنین بر اساس آمار، چیزی بالغ بر ۶۲ میلیارد تومان گردش مالی این نمایشگاه بوده است.

رسانه ملی

از سرنوشت فصل چهارم جلوی دوربین



تصویربرداری فصل چهارم سریال «از سرنوشت» که فصل‌های قبلی آن با استقبال خوب مخاطبان همراه شده بود، در ۳۰ قسمت از نیمه اسفند امسال آغاز خواهد شد. این سریال به کارگردانی محمدرضا خرمندان و تهیه‌کنندگی علی اکبر تحویل‌بان در سه فصل برای شبکه دو سیما ساخته و پخش شده است. تاکنون

نگارش نیمی از متن‌ها از سوی محمد محمود سلطانی و روح‌الله صدیقی انجام شده است و قصه در ادامه زندگی هاشم و سهراب و چالش‌های آنها با زندگی است. در فصل جدید قرار است بازیگرهای اصلی در کنار بازیگران جدید حضور داشته باشند.

سیاست نامه

اندیشه سیاسی فضل‌الله نوری - ۱۱

حاکمیت اسلام و عدالت

فتح‌الله پریشان

دبیر گروه اندیشه

منظومه فکری و سیاسی شیخ شهید فضل‌الله نوری همانند همه سیراب‌شدگان از مشرب الهی، ارزشی ویژه برای حاکمیت اسلام قائل است. عدالت در این میان، غایت آرزو، بلکه معشوق «دلریای» شیخ بود. وی عدالت را اساس تکوین و تشریح و عامل پیشرفت اسلام در جهان می‌شمرد.^۱ از نظر او «دین اسلام... دنیا را به عدل و شورا گرفت. آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و نسخه شوری ما از انگلیس بیاید؟! دستیابی به عدالت، آرمان مقدسی بود که شوق وصول به آن شیخ را همچون آحاد ملت ایران، در صدر مشروطه به قیام بر ضد استبداد واداشت و تأسیس اساس مجلس دارالشوری ملی و معدلت‌خانه اسلامی» را به دوستان تبریک گفت و آن را «موجب ترویج شرع اظهر و تعظیم شعائر اسلامی» شمرد.^۲ بعدها که به مخالفت با مشروطه متهم شد، اشک در چشمانش حلقه زد و گفت: «مخالفت من، با گروه‌ها و جراید ضد اسلام است، نه اجرای عدالت. علمای اسلام مأمورند برای اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم، چگونه من مخالف با عدالت و مروج ظلم می‌شوم؟!»^۳ از مختصات اندیشه سیاسی شیخ، تمایز تعریف وی از عدالت و تشخیص موارد آن و نیز نحوه دستیابی به این گوهر به تعبیر خود «دیریاب و زود رنج» از دیگر معاصران خود در حوزه روشنفکری و حتی برخی از هم‌لباس هایش بود. وی به حکم «خرد» که خالق جهان را در تشخیص مصالح بشر و تأمین سعادت جاوید وی، از همگان آگاه‌تر می‌داند. «تحصیل عدالت» را منوط به اجرای احکام اسلام می‌شمرد و معتقد بود حقیقت عدل از راه اقدام به معروف و اجتناب از منکر محقق می‌شود. همچنین تأکید داشت اجرای قوانین عادلانه در جامعه، به پشتوانه روحی و اعتقادی نیاز دارد و آن نیز چیزی جز ایمان به خدا و قیامت نیست و هر مقدار، یقین به مبدأ و معاد و خداترسی و امیدواری شدیدتر است، عدالت منبسط‌تر خواهد بود و هر چه از این کاسته شود، بی‌اعتدالی زیاده خواهد شد. شیخ فضل‌الله نوری همچنین معتقد بود که مردم «اگر بخواهند بسط عدالت شوند» باید این دو گروه را تقویت کنند: «حَمَلَه احکام» و «أولی السُّوکه من أهل الإسلام»، یعنی علمای دین و رجال سیاسی معتقد به اسلام. «این است راه تحصیل عدالت صحیحه نافع».^۴ شهید نوری، از سیاست و عدالت‌تصوریری چنین توحیدی داشت و عرصه زندگی را حوزه اقتدار «مطلق» الهی می‌شمرد. «پیتر آوری» استاد تاریخ دانشگاه کمبریج سخن جالبی دارد: «شیخ فضل‌الله نوری را بایستی نماینده آن مکتب فکری دانست که حاکمیت را از خداوند می‌داند و نه از مردم و شاه.»^۵ کسروی هم در کلامی به شیوه معمول آمیخته به زهر کینه به تلاش شیخ برای بنیاد نهادن یک «حکومت شرعی»^۶ اعتراف می‌کند. بنا بر مطالب فوق، نظام مطلوب شیخ شهید نظامی است که در آن احکام اسلام پیاده شود: «ای برادر، نظام‌نامه، نظام‌نامه... لکن اسلامی، اسلامی... یعنی همان قانون شریعت که هزار و سیصد و اندی است در میان ما هست... حالا بیاید به عنوان قانون و اجرا شود».^۸

منابع در دفتر نشر به موجود است.

تحلیلی بر دست‌نشاندهی و پیروی ایران عصر پهلوی از غرب

الگوی برای عقب‌ماندگی و تابعیت

سیاست‌های مستقل در رفتار سیاسی دولتمردان این کشورها می‌شود. به عبارت دیگر، کشور حامی به دلیل امتیازات قابل توجهی که دولت پیرو حاضر به پرداخت آنها شده، سیاست‌هایی اتخاذ می‌کند که منافع این کشور را بیش از پیش تأمین کند و لذا همواره در رفتار خود مراقب است تا این سیاست‌ها به مذاق دولت پیرو شیرین باشد. از سوی دیگر دولت پیرو نیز که اساساً بقا و استعمار جایگاه خود را در تحکیم روابط با دولت حامی قلمداد می‌کند، سعی می‌کند تا مانع از گسست این روابط به نفع کشور دیگری بشود. بر این اساس می‌توان رابطه میان ایران و ایالات متحده آمریکا را در قالب رابطه حامی-پیرو تحلیل کرد.

الگوی برای تغییر

انقلاب اسلامی الگوی حامی-پیرو را بر هم زد و چشم ملت ایران و ملل منطقه و جهان را به مزیت‌های کلیدی ملت‌ها همچون استقلال و عزت درون‌زا باز کرد. در واقع تغییر ساختار سیاست داخلی به بروز دو الگوی رفتاری پیش و پس از انقلاب منجر شد که پیامدها و دستاوردهای متفاوت را به وجود آورد. توانمندی‌های استراتژیک جمهوری اسلامی در حفظ استقلال خود و کمک به ملت‌های مظلوم منطقه و جهان برای بازیابی استقلال و عزت خود از دستاوردهای رشک‌برانگیز آن است که امروز احترام ملت‌ها را برانگیخته و الگو و مدل جدیدی در انقلاب و راه کسب استقلال تولید کرده است. پیش از انقلاب، الگوی رفتاری سیاست خارجی ایران همکاری راهبردی و امنیتی با قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا بود. در این راستا، خود شاه می‌گفت: «من در جنگ ظفار به منظور حفظ امنیت دهانه خلیج فارس و عبور مطمئن نفت به سوی آمریکا جان ایرانیان را به خطر انداختم و سربازان ایرانی را به جنگ شورشیان ظفار فرستادم تا منافع آمریکا حفظ شود.» این در حالی است که امروز، ایران اسلامی خود به الگوی الهام‌بخش و استقلال‌بخش ملل مظلوم و مستضعف تبدیل شده است. در واقع یکی از درس‌های بزرگ انقلاب اسلامی ایران این بود که طرق سنتی و معمول حفظ امنیت ملی در جهان سوم از قبیل تقویت نیروهای امنیتی، پیشبرد روابط اقتصادی و حفظ روابط نزدیک با یک ابرقدرت لزوماً امنیتی را که باید تأمین شود، ایجاد نمی‌کند. امروزه در بیشتر کشورهای جهان سوم، بی‌ثباتی سیاسی داخلی در مقایسه با تهدیدات خارجی، تهدید به مراتب عظیم‌تری را متوجه ارزش‌های حیات ملی می‌کند.



همکاری‌های نظامی معطوف به فرادستی سیستم مستشاری آمریکا در ایران بوده است. تحقق چنین اهدافی نیازمند ایجاد زیربنای نظامی جدیدی است که امکان به‌کارگیری تجهیزات خریداری شده آمریکایی در ایران را فراهم کند. در اسناد وزارت خارجه آمریکا به این موضوع اشاره شده است که ایران قادر نخواهد بود طرف ۵ یا ۱۰ سال آینده بخش اعظم سیاست‌های پیچیده نظامی خریداری شده از آمریکا را جذب کرده و به کار اندازد؛ مگر اینکه بر تعداد پرسنل آمریکایی که برای کمک به ظرفیت پشتیبانی به ایران گسیل می‌شوند، افزوده شود.

الگوی حامی-پیرو

ویژگی رابطه میان حامی-پیرو این است که دولت پیرو دولت ضعیفی است که به تنهایی توانایی مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی را ندارد. دولت حامی از طرف دیگر یک قدرت بزرگ نظامی است که علت دخولش به یک رابطه حامی-پیرو نه تضمین ادامه بقای خود، بلکه کسب مزیت در برابر دولت یا دولت‌های بزرگ دیگری است که در صحنه بین‌المللی با آنان رقابت می‌کنند. وجه دوم این رابطه امنیتی بودن روابط طرفین است. به این معنا که هدف اصلی از برقراری این نوع رابطه بهبود وضعیت امنیتی طرفین است. حامی عمدتاً از این رو وارد این نوع رابطه می‌شود تا از وضعیت امنیتی بهتری در قبال رقیب یا رقبای خود برخوردار شود. کشور پیرو به نوبه خود در تلاش است از طریق این رابطه استمرار بقای خود را در مصاف با تهدیدات داخلی و خارجی تضمین کند. وجود نوعی از رابطه حامی پیرو در میان دو کشور مانع از اتخاذ

باز یگر دست‌نشانده

برخی کارشناسان و پژوهشگران تاریخ ایران، الگوی روابط ایران با برخی کشورهای غربی را در دوره پهلوی، خاصه از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بعد مبتنی بر نشانه‌هایی از «دولت دست‌نشانده» تحلیل می‌کنند. چنین مفهومی از سوی «مارک گازیوروسکی» و بر اساس بررسی اسناد روابط خارجی ایران با کشورهای محوری جهان غرب مورد استفاده قرار گرفته است. مفهوم دولت دست‌نشانده در برابر «دولت خودمختار» استفاده شده است. دولت خودمختار ویژگی‌هایی از جمله ابتکار عمل، خودانگیزی، تحرک و اثربخشی داشته است؛ در حالی که دولت دست‌نشانده مبتنی بر نشانه‌هایی از روابط فرادستی و فرودستی است. یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری و گسترش انقلاب اسلامی ایران را باید واکنش نسبت به روابطی دانست که از آن به الگوی نابرابر روابط خارجی یاد می‌شود. الگوی نابرابر بخشی از ذات سیاست بین‌الملل بوده که قدرت‌های بزرگ تلاش دارند از چنین الگو و سازوکاری برای تحقق اهداف راهبردی خود استفاده کنند. به هر میزان که واحدهای سیاسی از آزادی عمل بیشتری برخوردار باشند، طبیعی است که میزان اثربخشی آنان در ساختار داخلی، محیط منطقه‌ای و روابط بین‌الملل افزایش بیشتری پیدا می‌کند. در الگوی دولت دست‌نشانده هیچ‌گونه تصمیم کلان راهبردی بدون رضایت طرف فرادست فراهم نمی‌شود. در دوران پهلوی بخش قابل توجهی از روابط اقتصادی راهبردی ایران و ایالات متحده معطوف به تحقق نیازهای امنیتی آمریکا بوده است. برنامه مربوط به کمک‌های خارجی و همچنین

عزیز غضنفری

کارشناس و پژوهشگر علم سیاست



در آستانه جشن چهل‌ودومین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی قرار

داریم. این روزها شبهات و سؤالاتی در زمینه اصل انقلاب و کارکردهای روزآمد آن در اداره جامعه مطرح می‌شود که با کمترین تأمل، اولاً، بر ساخته بودن آنها از سوی دشمنان انقلاب اسلامی روشن می‌شود، ثانیاً، نحوه مواجهه با آنها متفاوت بوده و برای بررسی آن لازم است ظرایف و دقایق مورد توجه واقع شود. اساساً به تعبیر ادبیات دینی و مضمون حدیثی از امام صادق (ع)، شبهه پاسخ ندارد؛ زیرا به نوعی رهنی فکری و در اثر سوء استفاده از جهل علمی مخاطب به مسائل مجال بروز می‌یابد و لازمه مواجهه با آن، پس از شبهه‌شناسی، شبهه‌شکنی از طریق دادن پاسخ تقضی است؛ اما پرسش به پاسخ نیاز دارد و باید برای آن به صورت استدلالی و اقناعی ادله روشن تدارک دید. با این نگاه، بسیاری از شبهات درباره انقلاب اسلامی به نقض شرایط آرمانی مفروض در ذهن شبهه‌آفرین نیاز دارد؛ اما زیرسؤال بردن رویکردهای تحولی و انقلابی انقلاب اسلامی در زمینه دستاوردهای معنوی معجزه‌آسایی، همچون استقلال و عزت پایدار امروز به اقامه ادله اقناعی نیاز دارد.

ایران و معادلات سیاسی جهانی

درباره وضعیت سیاسی ایران پیش از انقلاب و جایگاه ایران در معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای، لازم است این نکته بسیار مهم را بدانیم که این جایگاه برای ایران به مثابه ژاندارم حافظ منافع غرب به نحوی ترسیم شده بود که لزوماً باید در این مسیر حرکت می‌کرد؛ یعنی الگوی تمام عیار «دولت دست‌نشانده» مبتنی بر مدل «حامی-پیرو» در باره اداره ایران صدق کامل داشت. از این رو ایران عصر پهلوی در چارچوب سیاست‌ها و رویکردهایی با حضور مستشاران آمریکایی در حوزه‌های مختلف مدیریت می‌شد که در اتاق‌های فکر آمریکایی پی ریخته شده بود و چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای استقلال، پیشرفت علمی و عزت درون‌زای ایرانی تصور نمی‌شد. در ادامه به دو الگو و رویکرد که مشخص‌کننده مناسبات و روابط داخلی و خارجی ایران در دوران پیش از انقلاب بود، اشاره می‌کنیم.

ریزش‌ها

فراز و فرود جلال‌الدین طاهری اصفهانی - ۳

استغفاهای سیاسی!

سال ۱۳۸۱ سال پر تنشی در سیاست بود. هاشم آغاچری با توهین به مقدسات اسلامی و ساحت نورانی ائمه (علیهم‌السلام) فضای سیاسی-اجتماعی کشور را به هم ریخته بود. در حالی که انتظار می‌رفت آیت‌الله طاهری اصفهانی، مانند جمع کثیر مجتهدان جامعه مدرسین و علمای بزرگ به دفاع از اسلام و حقیقت تشیع برخیزد، در اقدامی غیر منتظره و باورناپذیر از جسارت‌های آغاچری دفاع کرد! دایره درباره سخنان موهن آغاچری نسبت به پیامبر (ص) و دین اسلام گفت: «این سخنان قبلاً نیز گفته شده بود و حرف تازه‌ای نیست. ما عالمان شایسته و خدمتگذار به مردم را دوست داریم و تقلید، مراجعه به کارشناس است، اما در این مورد فکر می‌کنم که بیشتر جنبه سیاسی دارد و شاید وقت تسویه حساب با سازمان مجاهدین انقلاب فرا رسیده است و آنها تاکنون از تعرض مصون بوده‌اند، شاید بلندپروازی‌هایی داشته‌اند که اکنون نوبت تنبیه آنان شده است. هر کس

خدمتگذار مردم باشد خوب است، چه عالم باشد و چه جاهل و آقای آغاچری در سخنان خود از عالمان شایسته تجلیل دارد و تا آنجا که من دیده‌ام، فتاوی‌ها را با هم مقایسه کرده است، ولی آنان که مأموریت فحاشی و برهم زدن جلسه را دارند، می‌گویند که آن فتوا، کلام قرآن است و این غیر قرآن. آنها هستند که به مراجع تقلید اهانت کرده و فتوای آنان را غیر قانونی دانسته‌اند، در حال این فریادزننده را باید تقبیح کنند.» رئیس دفتر خطیب جمعه اصفهان در مصاحبه‌ای با پایگاه رسمی آیت‌الله طاهری در پاسخ به این پرسش که آیا استغفای ایشان به معنای خروج از حاکمیت تلقی نمی‌شود، می‌افزاید: «آیت‌الله طاهری عضو مجلس خبرگان رهبری هستند و در صحنه سیاسی کشور حضور دارند و در مجلس خبرگان در مورد مسائل سیاسی اظهار نظر خواهند کرد... البته اگر شرایط را سخت‌تر کنند، ممکن است آیت‌الله طاهری از مجلس خبرگان هم استعفا بدهند؛ اما فعلاً چنین تصمیمی ندارند و اگر تا زمان تشکیل جلسه خبرگان همچنان در این مجلس باشند، در مورد استغفای خود و نامه‌ای که نوشته‌اند در این مجلس صحبت خواهند کرد.»

اما با توجه به نامه‌ای که آیت‌الله طاهری در آن مقطع نوشت و همچنان کرسی خود در مجلس خبرگان رهبری را حفظ کرد، این سؤال پیش می‌آید که اگر حکومت بعد از انقلاب این قدر ظالمانه و جانانه عمل کرده است، چرا آقای طاهری از تمام سمت‌های خود در این مملکت استعفا نداد و به قول آیه شریفه «نومن ببعض و نکفر ببعض» عمل کرد؟!

آفاق

نظریه نظام انقلابی - ۳۸

آسیب دوگانه‌های پایدار

دیالکتیکی بین دوگانه‌های ارزشی چیست؛ دوگانه‌هایی چون منافع ملی-مسئولیت‌های فراملی، عدالت-توسعه، آزادی-توسعه، امنیت-توسعه، تقابل-همکاری، تهاجم-تسالم، استقلال-ارتباط، تکلیف-نتیجه، ارزش-عمل و... و البته در لایه‌های بنیادی‌تر، این تضادها بر دوگانه‌هایی چون دین-دولت، مادیت-معنویت، سنت-تجدد و... متمرکز است؛ اما در ارتباط با اینکه این تضادها در حوزه عمل و اجرا چگونه عمل می‌کند و نمایان می‌شود، باید گفت که بر اساس اینکه نخبگان حاکم در هر برهه‌ای، در میان دوگانه‌های مذکور، اولویت و ارجحیت را به کدام یک از طرفین منازعه بدهند، کیفیت و چگونگی اقدامات آنها تعیین می‌شود. برای نمونه، در دولت سازندگی، از آنجا که نخبگان حاکم بر این دولت بر توسعه، تسالم، ارتباط، نتیجه و عمل تأکید می‌کردند و در مقابل، عدالت، آزادی، تهاجم و... برای آنها کم‌رنگ جلوه می‌کرد، بر مدلی از توسعه تأکید داشتند که در آن تنش‌زدایی در سیاست خارجی و توسعه‌محوری در داخل کشور محور قرار گرفته بود.

برعکس، در دولت اصلاحات، از آنجا که بر آزادی، همکاری، تسالم، ارتباط، تجدد و... تأکید می‌شد و در مقابل، عدالت، استقلال، تقابل، سنت و... چندان مهم جلوه نمی‌کرد، مدلی از توسعه پیگیری شد که در داخل کشور برای تحقق توسعه سیاسی و در سیاست خارجی برای تنش‌زدایی، چندجانبه‌گرایی گفتمانی، اعتمادسازی و... تلاش شد.

محسن محمدی الموتی
استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)



در پرتو آسیب‌شناسی چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی، تصویر نسبتاً روشنی از وضعیت کنونی نظام انقلابی در دهه پنجم حیات آن ارائه می‌شود. همان‌طور که در شماره گذشته اشاره شد، مهم‌ترین آسیب‌ها و موانع در سه سطح ایده، ساختار و کارگزاری قابل بررسی علمی است. منظور از ایده در اینجا، مجموعه دیدگاه‌ها، مباحثات و اندیشه‌ورزی‌هایی است که درباره اداره کشور مطرح می‌شود. این حوزه را می‌توان اساسی‌ترین حوزه مرتبط با اداره کشور دانست؛ زیرا هر گونه تغییر، ولو جزئی، در این حوزه، تغییرات وسیعی در سطح ساختارها و در عملکرد کارگزاران بر جای خواهد گذاشت. در این مطلب، با «وجود دوگانگی‌های مضاعف و پایدار» به منزله یکی دیگر از آسیب‌های ایده‌ای نظام انقلابی آشنا می‌شویم. وجود تضادهای فلسفی و هستی‌شناسانه و دوگانگی‌های پایدار تاریخی میان نخبگان مختلف در کشور را می‌توان مهم‌ترین آسیبی دانست که در سطح ایده‌ای متوجه نظام و کارآمدی آن است؛ اما سؤال مهم این است که این تضادها در چه حوزه‌هایی و چگونه نمایان می‌شوند؟ نقطه کانونی این تعارضات را می‌توان در درک و ترجیحات کارگزاران و نخبگان نظام از نسبت‌های

صداقت

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیر مسئول: بدالله جوانی
سرمدی: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

علی قاسمی، سیامک باقری، سعداللزاعی،
فرهاد مهدی، مهدی سعیدی، فتح الله پیرشان،
محمد رضامهدیار اسماعیلی، حسین عبداللہی فر
دبیر تحریریه: سید فخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
صفحه آرا: علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد کوردزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی
چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۲۲۴۴۶۲۳۸۵ (۰۲۱)
تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
www.ssweekly.ir
@ssweekly
info@ssweekly.ir
نمبر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۹۸۷ | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۹

کتیبه سبز

مادر فردا

اگر فلاطن و سقراط، بوده اند بزرگ
بزرگ بوده پرستار خردی ایشان

به گاهواره مادر، به کودکی بس خفت
سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان

چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه
شدند یک سره، شاگرد این دبیرستان

حدیث مهر، کجا خواند طفل بی مادر
نظام و امن، کجا یافت ملک بی سلطان...

همیشه دختر امروز، مادر فرداست
ز مادرست میسر، بزرگی پسران...

پروین اعتصامی

بانوی آب

برای حضرت زهرا (س)
که مهره اش آب بود...

بانوی آب!
چون هاله ای ز عاطفه ماه با جامه ای ز نور
در قصر آفرینش کامل
خورشیدوار

ایستاده
به درگاه!

نامش
ظهور زهره در آفاق عشق

مهرش
فروغ سمردی دل هاست

با ابر مهربانی دستانش
بانوی آب

در لحظه های آبی رؤیاست
آیینه کرامت در ریاست

او
والا ترین امیره گل ها

در وسعت مدائن روحانی است!

شعر شرف
بر سینه کتیبه تاریخ

اسطوره شگفت طهارت
منظومه فضائل انسانی است

بانوی بانوان!
برج بلند و سبز رهایی

از خاک و خاکیان
معراج نورا

از پهنه زمین
تا عرش آسمان!



بهمن صالحی

صبحانه

آرامش پس از سختی

زمستان از بهار خبر می آورد. آسمان قبل از طلوع خورشید تاریک و ظلمانی است، وقتی طوفانی سهمگین آغاز می شود، رنگین کمانی زیبا در پس خود دارد و بعد از غرش آسمان ورعد و برق، آرامش و سکون بر همه جا حکمفرما می شود. این وعده الهی است که «ان مَعَ الْعُسْرِ يُسْرٌ» و خداوند در آیه های نوربخش قرآن بر آن تأکید کرده است. زیبایی در پس هر زشتی و سپیدی در کنار سیاهی معنا می گیرد. امید و صبر با خود میوه شیرینی به دنبال می آورند. باید صبور و امیدوار بود.

داستان

بوسه دلچسب

نفیسه محمدی

دبیر گروه جوان

به سرعت از در خانه بیرون زدم. خیلی عجله داشتم که زود به محل کارم برسم. هوا خیلی سرد بود، به زیبا و محمد فکر می کردم. گاهی صبح زود قبل از اینکه آنها از خانه بیرون بروند، تلفن می زد و سفارش می کردم که حتما لباس گرم بپوشند. امروز باید به خانه مادرم می رفتم و اسناد و مدارک خانه را برای کارهای انحصار ورته آماده می کردم. مادرم به آن خانه بزرگ احتیاج نداشت و بهتر بود هر چه زودتر آن را بفروشم و برایش خانه کوچکتری بخریم به علاوه هر کدام از ما سهم خود را می گرفتیم و می توانستیم گوشه ای از مشکلات مان را حل کنیم.

مرخصی ساعتی گرفتم؛ وسط روز بود و خیابان ها خلوت. آنگار را که زدم آنگار منتظرم بود. مثل همیشه لبخند زد. احوال پرسوی ساده ای کردم و مدارک را گرفتم. همه چیز را آماده گذاشته بود تا معطل نشوم. طوری نگاهم می کرد که آنگار بهترین دارایی روی زمین را دارد. با حالتی بین دو دلی پرسید: «نمی توانی به چند لحظه بشینی خستگیت در بره؟» خندیدم و گفتم: «خسته نیستم مادر تازه ساعت ۱۰ صبحه!» جای خوشترنگی ریخته بود، کنارم نشست و تعارف کرد؛ کمی از حال بچه ها و نسرین پرسید و گفت خیلی دلش تنگ شده بود که ما را ببیند؛ اما توفعی نداشت چون با این شرایط بیماری، سردی هوا و روزهای آخر سال، همه کلی کار داشتیم. سرم گرم مدارک بود تا چیزی از قلم نیفتد؛ هر چیزی را که فکر می کردم نیاز است برداشتم؛ مادر سؤال می پرسید و خودش هم جوابش را می داد. آنگار دلش نمی آمد به اندازه جواب کوتاهی وقت من را بگیرد. نگاهش کردم؛ چقدر با مهربانی حرف می زد. دلم می خواست دستش را ببوسم و چند لحظه ای در آغوشش بگیرم؛ اما طبق معمول خجالت می کشیدم. همیشه خودم را به خاطر این خجالت بی جا سرزنش می کردم. مدارک را

صادقانه

کاش مادرش زنده بود

امام سجاده (ع) فرمود: مردی خدمت رسول خدا (ص) رسید و گفت: ای رسول خدا، من هیچ کار زشتی نمانده که انجام نداده باشم، آیا می توانم توبه کنم؟ رسول خدا (ص) فرمود: آیا هیچ یک از پدر و مادر و زنده هستند؟ گفت: بله، پدرم حضرت فرمود: برو به او نیکی کن تا آمرزیده شوی! وقتی او راه افتاد، پیامبر (ص) فرمود: کاش مادرش زنده بود. اگر او زنده بود و به او نیکی می کرد، زودتر آمرزیده می شد. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۲

قبیله عشق

اولین شهید زن خرمشهر



شهناز نسبت به زمان خودش خیلی جلوتر بود. گواهینامه رانندگی داشت، تایپ فارسی و انگلیسی را بسیار خوب می دانست و حتی یک لحظه از زندگی و فرصت هایش را بیهوده از دست نمی داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و زمانی که هنوز نهضت سوادآموزی تشکیل نشده بود، همراه چند نفر دیگر گروهی را تشکیل دادند و به روستاها می رفتند و به بچه ها درس می دادند. تا اینکه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ جنگ آغاز شد. مانند بسیاری از خانواده های خرمشهری از این شهر رفتیم؛ اما شهناز نتوانست از شهر دور بماند.

دوست داشت از شهر و کشورش دفاع کند و به کمک دوستانش برود که در خرمشهر مانده بودند. کامیونی برای جبهه خرمشهر بار آورده بود و می خواست آنها را در مدرسه ای خالی کند. دخترها منتظر آمدن مردها نشده و خودشان دست به کار شدند تا بار کامیون را خالی کنند.

زمانی که مشغول کار بودند، سر فلکه کلفروشی، عراقی های یکی از خانه ها را با خمپاره زدند. شهناز و دوستانش به طرف خانه دویدند تا اگر کسی آنجا هست، او را بیرون بیاورند. همان لحظه خمپاره دیگری به زمین خورد و منفجر شد. ترکش مستقیماً به قلب شهناز اصابت کرد و شهناز شهید شد.

به نقل از خواهر شهید شهناز حاجی شاه

شهید شهناز حاجی شاه در سال ۱۳۳۶ در خرمشهر به دنیا آمد. وی فرزند سوم خانواده بود و تحصیلاتش را تا دیپلم ادامه داد. شهناز در گلزار شهدای خرمشهر به خاک سپرده شد؛ اما آنگار شهر ناام بود که فقط پنج نفر در تشییع او حضور داشتند و مادر و برادر هایش او را به خاک سپردند. برادرها با دست روی یک سنگ نام شهنار را کردند و بعدها با همین نشانه ها بود که توانستند مزار او را پیدا کنند.

حسن ختام

تمنای به رنگ بیداری

آقا جان مرا ببخش! از اینکه درخت زندگی ام در گیر و دار ابتلائات و امتحانات به جای ثمر دادن و شکوفا شدن، خزان خورده و بی برگی تمام وجودش را در بر گرفته است.

مرا ببخش! اگر قلبم در پستی و بلندی های زندگی، سرما و گرما خورده و ترک برداشته، عذرم را بپذیر اگر قلبم در عوض نور طاعت و محبت، از شدت دوری و فراق، رو به خاموشی است.

مولای من! می خواهم این دل جسور و ناشناسم را از اعماق تاریکی و خوفناکی انزوا بیرون بکشیم و به نور نام مبارکت، سیزفام و گل آدین کنم.

مهربانم، ای خورشید پشت ابر! می دانم که خوب می دانی در پس این حرف هایم، تمنای خفته است که برای ریشه دواندن و بیدار شدن، گرمای خورشیدی شما را التماس می کند.

سلامت

تغییر با جو!



زهرا وحیدی نیا

کارشناس علوم تغذیه

حتماً تا به حال نان جو و چاودار به گوش تان خورده یا در فروشگاه های مواد غذایی با آنها برخورد کرده اید!

چاودار گیاهی از خانواده گندمیان است، جزء غلات به شمار می آید و از نظر ظاهری هم شباهت زیادی به گندم دارد. جو و چاودار از منابع خوب منیزیم، سلنیم، منگنز، فسفر، ویتامین B1 و همچنین فیبر های محلول و نامحلول هستند. یک جزء از فیبر های محلول موجود در جو و چاودار بتاگلوکان نام دارد که می تواند اثرات مفیدی به ویژه در کاهش کلسترول خون داشته باشد. مصرف این غلات در افراد دیابتی بسیار مفید است؛ زیرا بتاگلوکان موجود در این غلات در معده تشکیل ژل داده و از تخلیه سریع معده جلوگیری می کند. از طرفی هضم مواد غذایی را در روده آهسته می کند؛ پس می تواند به کنترل قند خون بعد از مصرف غذا کمک شایانی بکند. کاهش خطر ابتلا به بیماری های مرتبط با هورمون مانند سرطان سینه و همچنین خطر سرطان های پروستات، اندومتر، تخمدان و روده از دیگر خواص این غلات مفید است. فیبر های محلول موجود در جو باعث کاهش سرعت تخلیه معده شده و احساس سیری ایجاد می کنند و مصرف غذا در وعده غذایی بعد از کاهش می دهند؛ بنابراین در کاهش وزن می توانند به شما کمک کنند. مصرف روزانه جو و چاودار می تواند به کنترل فشار خون بالا در بیماران نیز کمک کند. البته به علت دارا بودن گلوتن مصرف این غلات، برای افراد مبتلا به بیماری سلیاک و حساس به گلوتن توصیه نمی شود.



راه نرفته

تعلل را شکست دهیم



مدیقه سادات شجاعی

مشاور خانواده

پرسش: **مردی ۳۸ ساله و متأهل، شغل و زندگی خوبی دارم؛ اما در انجام کارها خیلی تعلل می کنم و همه را در آخرین لحظه انجام می دهم یا اینکه نیمه کاره می گذارم. از این شرایط بسیار ناراضی هستم. چگونه می توانم تعلل را کنار گذاشته و کارهایم را به موقع انجام دهم؟**

پاسخ: پرسشگر عزیز! همه ما به نوعی در کارهای مان تعلل می کنیم و خیلی از افراد در انجام بسیاری از کارهای شان تأخیر را ترجیح می دهند. اما چطور با تعلل در کارها مقابله کنیم؟ ۱- برنامه صبحگاهی داشته باشید. خیلی از افراد موفق دنیا با دقت و وسواس زیاد برنامه صبحگاهی دارند؛ چون اول روز کاملاً دست ماست، اما بقیه زمان های روز را نمی توان پیش بینی کرد. ۲- پروژه های سنگین را به وظایف کوچکتر تقسیم کنیم. گاهی با نگاه کلی به موضوع و ترس از اندازه و حجم کار از انجام آن صرف نظر می کنیم. ۳- مهلت تحویل بعضی از کارها را پیش بیندازیم، پس سرعت بخشی در مهلت انجام امور را ایجاد کنید. ۴- اهداف مشخص و قابل انجام انتخاب کنید، واقع نگار بودن به شما این امکان را می دهد تا شانس بیشتری برای موفقیت داشته باشید. ۵- بسیاری از نرم افزارها کمک شایانی در مقابله با این تعلل ها می کنند. ۶- ببینید چه چیزهایی باعث کندی پیشرفت شما می شوند، آن عوامل را از مسیر انجام وظیفه تان دور کنید. ۷- روش هایی که قبلاً برای شما نتایج رضایت بخشی را به بار آورده، بازبازی کنید. ۸- به نکات مثبت شروع کار و تکمیل آن در کنار نکات منفی تأخیر در کار دقت کنید. ۹- این را بدانید که همه افراد گاهی قسمتی از برنامه روزانه خود را به تأخیر می اندازند؛ پس احساس گناه نکنید. ۱۰- نوشتن برنامه روزانه و اولویت بندی خوب و درست کمک بزرگی در انجام کارها می کند و تمرکز ذهن را زیاد کرده و انگیزه ایجاد می کند تا شروع و پایان خوبی داشته باشید. ۱۱- از کارهای کوچک شروع کنید.